

*What was the Holy Ghost  
given for?*

روح القدس برای چه داده شد؟

این پیغام توسط برادر ویلیام ماریون برانهام موعظه شده و بر روی نوار شماره‌ی ۱۲۱۷-۵۹ ضبط گردیده، تمام تلاش برای پیاده سازی پیغام شفاهی از روی نوار مغناطیسی صورت گرفته است. این پیام توسط PEYGHAM چاپ و منتشر شده است.

این موعظه توسط وب سایت [www.peygham.net](http://www.peygham.net) بصورت رایگان در اختیار شما گذارده شده، پیغام یک وب سایت غیرفرقه‌ای بوده و به مرجعیت نهایی کلام خدا و سر بودن خداوندمان عیسی مسیح ایمان دارد. این پیغام توسط نبی خدا ویلیام برانهام که بعنوان یک مبشر بین‌المللی شناخته می‌شود به زبان انگلیسی موعظه شده، و توسط گروهی از مقدسین که با این وب سایت همکاری می‌کنند به زبان فارسی ترجمه شده است.

شما می‌توانید از طریق پست الکترونیکی [email@peygham.net](mailto:email@peygham.net) با ما در تماس باشید و جزوات و مقالات مربوط به پیغام زمان آخر را از این طریق دریافت نمایید. هرگونه چاپ و استفاده از مطالب این کتابچه منوط به دریافت مجوز از [www.peygham.net](http://www.peygham.net) می‌باشد.

۱. می دانم که برادر نویل<sup>۱</sup> به دست گذاری ایمان دارند. دیشب تعدادی سوال به دستم رسیده است. فردا شب به این سوالات که شاید مربوط به پیغام شب گذشته باشد، خواهم پرداخت. چون امشب فرصت نمی کنیم به آنها پردازیم. اگر کسی در باره ی هر یک از پیغام ها سوالی دارد، آن را همان شب بنویسد؛ تا من بتوانم شب بعد آنها را دریافت کنم.

۲. حال، تمایل دارم فردا افرادی را پیدا کنم. ترجیحاً از بین خادمین، اگر ممکن باشد. در غیر این صورت تعدادی از مردان و یا زنان خوب و قابل اطمینان را که بتوانیم در مواقع لزوم و نیاز با آنها تماس بگیریم...

فردا شب بعد از اتمام پیغام، برای تعمید روح و دریافت روح القدس افراد، دست گذاری خواهیم کرد. و آن وقت شما این شانس را دارید که در تمام تعطیلات اینجا بمانید، البته اگر آن قدر طول بکشد. می خواهیم تعدادی خادم بیابیم. شماره تماس، شماره تماس آنها و اگر در این شهر مسافر هستید، شماره تماس جایی که در آن اقامت دارند؛ تا بتوانیم سریعاً با آنها تماس بگیریم. تا آنها خانه به خانه و از جایی به جای دیگر بیایند و بتوانند یک مقدمه و تعریف کوچکی از تعمید روح القدس را به شما که در جستجوی چنان برکت عظیمی هستید، بدهند.

۳. دیشب در مورد این موضوع صحبت می کردیم که «روح القدس چیست؟» و متوجه شدیم که این تمام آن چیزی است که خدا به ما وعده داده است. ما متوجه شدیم که روح القدس یک مژهر است. یک تسلی دهنده، آرامی، خوشی و قیامت و تمام آن چیزی که خدا به کلیسای خود وعده داده است، در روح القدس قرار دارد.

۴. و امشب می‌خواهیم در مورد این موضوع موعظه کنیم و تعلیم بدهیم... حدود سه یا چهار صفحه از بخش‌های مختلف کتاب مقدس را اینجا دارم که در این مورد است. دیشب کشف‌الآیات خود را اینجا جا گذاشتم و آن را در اختیار نداشتم. ولی امروز تمام تلاش خود را می‌کنم تا به بهترین نحو ممکن به این موضوع بپردازم.

۵. حال امشب در مورد این تعلیم می‌دهیم که هدف خدا از فرستادن روح القدس چه بود؟ این برای چیست؟ اگر این چیزی به این عظمت است، پس چرا خدا آن را فرستاد؟ و فردا شب می‌خواهیم در این مورد صحبت کنیم که «آیا این برای شماست؟» و اینکه «چگونه آن را بدست آورید؟» و بعد، وقتی که از طریق کلام به آن پرداختیم، این را توسط روح القدس توضیح دهیم. چون باید هر چیزی را بر اساس کلام بسنجیم. آن وقت کسانی که به دنبال روح القدس هستند، می‌توانند نزدیک شوند. و بعد امیدواریم که توسط روح القدس، این بیداری پس از آن در افراد به حرکت درآید.

۶. حال، احساس می‌کنم که فردا شب ممکن است افراد زیادی در کلیسا بمانند. فکر می‌کنم اگر بتوانیم تعدادی از خادمین یا افرادی را که در امر هدایت افراد به سمت دریافت روح القدس با تجربه هستند، بیایم تا به آنها روحیه بدهند. تا به خانه‌های زن و شوهران، یا هرکس که به دنبال روح القدس است، بروند. این تعلیم و راهنمایی خوبی خواهد بود که چه کاری برای آنها لازم است. امشب یا فردا شب می‌توانید آدرس یا شماره تلفن خود را به شبان بدهید. این را به برادر نوبل بدهید. آن وقت نیاز نخواهد بود که یک جلسه برای این کار ترتیب بدهیم. شماره تلفن جایی را که می‌توانیم با شما تماس بگیریم، به ما بدهید و بگویید، من در این شماره در دسترس هستم... اگر یک خانم تنها باشید، آن وقت ما یک خانم را پیش شما می‌فرستیم. متوجه هستید؟ و یا اگر در خانه‌ای هستید که همسر شما حضور دارد، می‌توانیم یک خادم را نزد شما بفرستیم.

خوشحال می شویم که همکاری شما را داشته باشیم. چون می دانم همه ی شما در این مورد مشتاق هستید. یادتان باشد که او جان را از خطاهایش نجات داده و گناهان بسیاری را پوشانده است. می بینید؟ و عروس مسیح گرسنه و تشنه است. او مهیا می شود تا فرزندان خدا را به دنیا بیاورد.

۷. و اکنون، امشب قبل از اینکه شروع به خواندن کلام کنیم، برای چند لحظه سرهای خودمان را برای دعا خم می کنیم. و قبل از اینکه دعا کنیم، درحالی که سرهایتان را در حضور خدا خم کرده اید، اگر نیازی در درون خود دارید، دست های خود را بلند کنید و بگویید: "خداوندا! فروتنانه دست خود را در حضور تو بلند می کنم. من نیازمند هستم. خداوندا! دعا می کنم که تو به من کمک کنی." خدا به تک تک شما برکت بدهد. او دست های شما را می بیند. فرشتگان دست های شما را برگرفته اند.

۸. پدر آسمانی! یک بار دیگر در دعا به تو نزدیک می شویم، که بدون شک الحال در بین فرزندان خدا، این دعا صورت گرفته. امشب در این مکان کوچک آن سرودها خوانده شده و قلب ها را در یک خوشی عظیم در ستایش خدا به حضور تو بلند کرده ایم.

۹. داود می گفت که به میان جمع مقدسین آمده و خواست خود را مطرح می کرد. امشب نیز دست های زیادی به حضور تو بلند شده است. شاید بتوانم بگویم بیش از هشتاد درصد کسانی که در این ساختمان هستند، دست خود را برای اعلام نیاز به حضور تو بلند کرده اند. خداوندا! این نشان می دهد که ما نمی توانیم بدون تو پیش برویم. ما باید هر روز و هر روز تو را داشته باشیم. تو حیات ما هستی، خوشی ما، شفای ما، قدرت دائم ما، ملجا و سپر ما و پناهگاه ما در برابر دشمن.

ما نمی‌توانیم بدون تو به این نبرد حیات بپردازیم. این برای ما مطلقاً غیر ممکن است و کاملاً آن را بر عهده‌ی تو گذارده‌ایم. زیرا می‌دانیم که در یک زمین تاریک گام برمی‌داریم. دشمن از هر طرف با دام‌ها و تله‌ها ما را احاطه نموده است. خداوندا! راه‌های ما پر از دام‌هایی است که دشمن برای لغزاندن ما گسترانده است.

۱۰. و ما نیز می‌دانیم، در پایان این راه چیزی خواهد بود که وادی سایه‌ی موت خواننده می‌شود. اوه خداوندا! چه کسی دست ما را خواهد گرفت؟ خداوندا! می‌خواهیم بدانیم که تو می‌دانی. می‌خواهیم بدانیم که دست ما را گرفته‌ای و ما نیز دست تو را و ما می‌توانیم آن لنگر اطمینان را داشته باشیم. تا زمانی که به آن لحظه‌ی عظیم زندگی خود می‌رسیم و زمانی که به دروازه‌ی موت گام می‌گذاریم، بتوانیم با مقدسین گذشته بگوییم: "او را در قوت رستاخیزش می‌شناسم و می‌دانم وقتی مرا بخواند، از بین مردگان خواهیم آمد."

۱۱. اکنون، خدای پدر! دعا می‌کنیم که تو درخواست‌های ما و جمع ما را برکت دهی. کلام خود را مبارک سازی و اگر من چیزی می‌گویم که خلاف کلام تو و یا خلاف اراده‌ی توست، تو همچنان قدرت داری تا دهان مرا ببندی. همان‌گونه که وقتی دانیال در چاه شیران بود، این کار را کردی. و دعای ما این است که امشب قلب‌ها و گوش‌ها را باز کنی، تا در آنها گرسنگی و تشنگی را ایجاد کنی. باشد تا چنان عطش و گرسنگی در آنها ایجاد شود که تا وقتی آن تسلی دهنده بر ایشان قرار نگیرد، قادر به خواب و استراحت نباشد.

۱۲. ایمان داریم که در ایام آخر زندگی می‌کنیم. در سایه‌ی بازگشت او و به همین دلیل است که این پیغام‌ها به آن سمت هدایت شده‌اند. خداوندا! این به این دلیل است که به قوم هشدار داده شود، تا قوم متوجه شوند. باشد تا امشب نقاب و هر پوششی را از

خود برداریم و بگوییم: "خداوند خدا! امشب ظرفی باشم در دست تو. باشد تا روح تو توسط من دیده شود. من را شکل بده تا به دنبال اراده‌ی تو باشم. قلب و قوت و همه چیز خود را به تو و خواست تو تقدیم می‌کنم."

۱۳. ما را بشنو ای خداوند! در این شب بارانی اینجا جمع نشده‌ایم تا دیده شویم. اینجا جمع نشده‌ایم چون جای دیگری برای رفتن نداشتیم. برای یک هدف مقدس، جدی و اساسی در قلبمان اینجا هستیم. آن هم این است که به تو نزدیک شویم و با دانستن اینکه تو وعده دادی اگر ما خود را به تو نزدیک سازیم، تو نیز خود را به ما نزدیک خواهی نمود. و این دلیلی است که ما اینجا جمع شده‌ایم. کسی که در گرسنگی بیاید، گرسنه اینجا را ترک نخواهد نمود. "خوشابحال گرسنگان و تشنگان عدالت" عیسی گفت: "زیرا ایشان سیر خواهند شد."<sup>۲</sup> و اگر ما نان بخواهیم، سنگ به ما داده نخواهد شد. ما این تضمین و اطمینان را داریم. اگر ماهی بخواهیم افعی دریافت نمی‌کنیم؛ بلکه خدا، پدر ما، ما را از من آسمانی اطعام خواهد نمود.<sup>۳</sup> کلام و روح اوست که او را می‌نمایاند. دعای ما را اجابت کن خداوند! و خواست‌های ما را خداوند! چنان که آن را ابراز کردیم و در انتظار تو هستیم. در نام عیسی مسیح دعا می‌کنیم. آمین!

۱۴. حال شما که با من آیات را دنبال می‌کنید، لطفاً دوباره انجیل یوحنا باب ۱۴ را با من باز کنید. می‌خواهیم از باب ۱۴ انجیل یوحنا شروع کنیم و تقریباً از آیه‌ی چهاردهم. یوحنا ۱۴:۱۴ و بخشی از این متن را با هم بخوانیم. در این بخش زمینه‌های زیادی از آنچه می‌خواهیم امشب از آن صحبت کنیم را می‌یابید.

۱۵. و یادتان باشد، شما که کتاب مقدس‌هایی با حروف قرمز دارید، این بخش در

<sup>۲</sup> انجیل متی ۶:۵

<sup>۳</sup> اشاره به انجیل متی باب ۶

حروف قرمز رنگ است. این کلامی است که خود عیسی از آن صحبت نمود. پس از این رو می‌توانیم با اطمینان ادامه دهیم که این به همان صورتی است که او گفته است. "آسمان و زمین زائل می‌شوند ولی کلام او تا به ابد باقی است."

حال از آیه ۱۴ از باب ۱۴ انجیل یوحنا را با هم می‌خوانیم.

"۱۴ اگر چیزی به اسم من طلب کنید، من آن را بجا خواهم آورد."

چه وعده با برکتی!

"۱۵ اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. <sup>۱۶</sup> و من از پدر سوال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند. <sup>۱۷</sup> یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند، زیرا که او را نمی‌بیند..."

حال شما که از روی کتاب مقدس یونانی می‌خوانید، ممکن است ببینید که اینجا... نه... «دیدن» در آنجا به معنی «فهمیدن» آمده است. "چرا که جهان نمی‌تواند او را بفهمد." این کاملاً درست است. حال بگذارید دوباره آن را بخوانیم.

"<sup>۱۷</sup> یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید..." (چه کسی را؟ تسلی دهنده را.) "زیرا که با شما می‌ماند." (زمان حاضر...) "زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود."

این چیست؟ همان تسلی دهنده.

"<sup>۱۸</sup> شما را یتیم نمی‌گذارم، من..."

همه می‌دانند که «من» یک ضمیر شخصی است.



"نزد شما می آیم.<sup>۱۹</sup> بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی بیند و اما شما مرا می بینید و از این جهت که من زنده ام، شما هم خواهید زیست.<sup>۲۰</sup> و در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما."

این محور صحبت من خواهد بود، ولی می خواهیم کمی جلوتر را بخوانیم. بگذارید این را هم دوباره بخوانم.

"<sup>۲۰</sup> و در آن روز" (روز عظیم، روز داوری) "شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.<sup>۲۱</sup> هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می نماید، و آنکه مرا محبت می نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.<sup>۲۲</sup> یهودا، نه آن اسخریوطی، به وی گفت: «ای آقا چگونه می خواهی خود را به ما بنمایی و نه به جهان؟»"

این «کاسموس»<sup>۴</sup> است، یعنی «سیستم دنیوی». اگر شما هم کتابتان مطالب حاشیه داشته باشد، متوجه خواهید شد... کتاب من یک حرف «جی»<sup>۵</sup> دارد و می گوید کاسموس یا سیستم دنیوی. این کلیساها و غیره هستند. می بینید؟

چگونه است که خود را بر ما ظاهر می سازی، نه بر آنها؟ چطور می توانی این کار را بکنی؟

"<sup>۲۳</sup> عیسی در جواب او گفت: «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم

---

kosmos<sup>۴</sup>  
G<sup>۵</sup> به معنی داشتن توضیحات در حاشیه یا پاورقی

گرفت. <sup>۱۴</sup> و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی کند..."

کلام کلیسا را به جای کلام او حفظ می کند. می بینید؟

"... و کلامی که می شنوید از من نیست. بلکه از پدری که در من است. <sup>۱۵</sup> این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم. <sup>۱۶</sup> لیکن تسلی دهنده، یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می فرستد. او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم..." (که کلام اوست). " ... به یاد شما خواهد آورد."

پس خدا روح القدس را به چه هدفی فرستاد؟ تا برکت خود را بر کلام خویش بیفزاید.

۱۶. عیسی گفت که: "و در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و پدر در من است و شما، من در شما و شما در من." حال اگر می خواستیم این را بگوییم...

۱۷. یادتان باشد این قرار است روی نوار ضبط شود. یک نفر از «تاجرین مسیحی» خارج از لویزیویل <sup>۱۷</sup> مدتی پیش به من زنگ زد و گفت: "بیلی! این خجالت آور است که پیغام‌هایی مانند آنچه که شب گذشته پیغام دادی، بجای اینکه چهل تا پنجاه هزار نفر بشنوند، به صد تا صد و پنجاه نفر داده می شود. چون نهایتاً سیصد نفر در خیمه‌های کوچک جمع می شوند."

۱۸. گفتم: "آقا! از این تاریخ تا شش ماه دیگر، اگر عیسی بخواهد سر تا سر دنیا این پیغام‌ها را خواهند شنید." می بینید؟

آن نوارها به تمام دنیا می رود. به سر تا سر دنیا. و از این رو، ما اینجا چیزی را تعلیم

می‌دهیم که بر حقیقت بودن آن ایمان داریم و خدا درست و حقیقت بودن آنچه را که دریافتیم، برای ما تأیید نموده است.

۱۹. حال هدف... خدا از فرستادن روح القدس چه هدفی داشت؟ حال ابتدای آیه ۱۴ از باب ۱۴ انجیل یوحنا تا آخر باب را بعنوان مرجع موضوع علامت بزنید. در اینجا می‌بینیم که هدف خدا از فرستادن روح القدس یک هدف بود، که خود خدا در کلیسای خویش ساکن گردد و نقشه‌ی خود را توسط کلیسا ادامه دهد.

که خدا در مسیح، خدا در حال انجام نقشه‌اش در مسیح بود و خارج از مسیح در کلیسا آن اعمال خود را توسط کلیسا ادامه می‌دهد.

۲۰. حال، ما می‌دانیم که روح القدس چیست. دیشب دیدیم که این خداست.

حال وقتی به خدا، به پدر فکر می‌کنیم، چنان‌که عیسی در اینجا از آن صحبت کرده است، پدر او، خدا، عیسی بعنوان پسر، خدا، روح القدس چیزی که امروز او را می‌نامیم؛ به این معنی نیست که سه خدای مجزا و سه شخصیت مجزا از هم باشند. این یعنی که هر سه، یک خدا در سه صورت است.

می‌توانیم این‌گونه بگوییم، تمام آنچه که خدا بود او در مسیح ریخت. زیرا خود را خالی کرده و در مسیح ریخت و مسیح از نظر جسمی تمامی پری الوهیت بود. تمام آنچه که یهوه بود، او در مسیح ریخت.

و تمام آنچه که مسیح بود، او در کلیسا ریخت. نه در یک شخص بلکه در تمام بدن. آنجا، جایی است که ما در اتحاد و یگانگی جمع می‌شویم. آنجاست که قدرت داریم. تمام آنچه که خدا بود، در مسیح بود و تمام آنچه که در مسیح بود، در شماس است.

زیرا خدا جسم شده و در بین ما ساکن شد. اول تیموتائوس ۳:۱۶: "و بالا جماع سرّ دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد." او را لمس کردیم. خدا، یهوه جسم شده، بر روی زمین راه رفت و او را با چشمان خود دیدیم.

۲۱. می‌دانید در همین باب ۱۴ انجیل یوحنا فیلیپس گفت: "ای آقا! پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است."

۲۲. عیسی گفت: "ای فیلیپس! در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟" خدا جسم شده بود.

۲۳. حال اینجا... پدر خدا بود، فوق شما. ما می‌گوییم... از زمان آدم، خدا، پدر، بالای سر موسی و بنی اسرائیل در ستون آتش بود. سپس، خدا با ما، در مسیح با ما راه رفت، با ما صحبت کرد. با ما غذا خورد و در کنار ما خوابید. خدا فوق از ما، خدا با ما، و اکنون خدا در ماست. تمام آنچه که خدا بود، در مسیح آمد. تمام آنچه که در مسیح بود، به درون کلیسا آمد.

این یعنی چه؟ خدا در شما کار می‌کند. هر جای دنیا که باشید. اگر بخواهد که شما را فرا بخواند، شما همانجا خواهید بود. در شما عمل می‌کند، تا اراده‌ی نیکوی او را بجا آورید. چطور می‌توانیم خدا را از این بابت شکر کنیم. خدا، روح القدس بخاطر هدف و برنامه‌ی خدا برای حیات در کلیسای خویش و حرکت در هر دوره و بجا آوردن اراده‌ی الهی او فرستاده شد.

۲۴. کسی که شما را مسخره می‌کند، در اصل شما را مسخره نمی‌کند؛ بلکه در حال تمسخر نمودن کسی است که شما را فرستاده است. عیسی گفت: "خوشحال شما

وقتی که مردم بخاطر نام من شما را از خود جدا سازند و دشنام دهند و نام شما را مثل شریر بیرون کنند.<sup>۷</sup> و باز همه کسانی که می خواهند. "و همه‌ی کسانی که می خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید."<sup>۸</sup>

زیرا زمانی که خدا خود را در مسیح شناساند، آنها از او نفرت داشتند. چه کسی بیش از همه از او تنفر داشت؟ کلیسا. کلیسا بیش از همه از او متنفر بود. آنها بیش از دائم‌الخمرها از او متنفر بودند. آنها بیش از همه‌ی مردم از او نفرت داشتند. این کلیسا بود که از او متنفر بود. پس از این رو وقتی کاسموس را می بینید که «نظم جهانی، جهان او را نشناخت.» یعنی «کلیسا» یا چیزی که کلیسا خوانده می شود، او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند.

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند، قدرت داد تا فرزندان خدا گردند. یعنی به هرکس که به اسم او ایمان آورد. او! چقدر باید او را محبت نموده و پرستش نماییم. هدف خدا، او می خواست که در مشارکت باشد.

۲۵. قبل از اینکه از آن بخش خارج شویم، بگذارید از این استفاده کنیم. در ایام روت، در دوران شریعت، زمانی که نعومی بخاطر سختی‌ها و رنج‌ها کشور را ترک کرد، به سرزمین موآبیان رفت که فاتر و مسیحیان ظاهری بودند. زیرا موآبیان از نسل دختران لوط بودند و آنها در ظاهر ایماندار بودند، ولی با جهان مختلط شده بودند. بعد، شوهر و دو پسرش مردند و در راه بازگشت به وطن نعومی، در راه بازگشت روت و نعومی، یکی از عروس‌های او به نام عرفه، او به نزد خویش و نزد خدایان خود و نزد کلیسای خود و قوم خویش بازگشت. نعومی سعی کرد که روت را هم وادار به

<sup>۷</sup> انجیل لوقا ۲۲:۶  
<sup>۸</sup> دوم تیموتائوس ۱۲:۳

بازگشت کند، ولی روت گفت: "قوم تو قوم من، و خدای تو خدای من است. هر جا که تو بمیری، من نیز آنجا خواهم مرد. جایی که تو دفن شوی، من نیز آنجا دفن خواهم شد و باز نخواهم گشت."<sup>۹</sup>

۲۶. این زمانی است که یک نفر رویایی بدست آورده باشد. هیچ فرقی نمی‌کرد که قوم او چه می‌گفتند. "داری به آنجا می‌روی که یک دین خروش یا چیزی شبیه این باشی." این هیچ اهمیتی برای روت نداشت. این برنامه در نقشه‌ی خدا بود که باید تحقق می‌یافت.

۲۷. و قطعاً شما که امشب گرسنه‌ی روح القدس هستید. چیزی درون شماست که شما را می‌کشد. که نقشه‌ی خدا باید در زندگی شما تحقق یابد. درست به همان صورتی که در زندگی روت بود.

۲۸. این داستان بسیار زیباست. نمی‌توانم آن را رها کنم. شما قانون انفکاک را می‌دانید. وقتی که بوعز... می‌دانید که روت در مزارع بوعز خوشه چینی می‌کرد و در نظر بوعز، التفات یافت. قبل از اینکه بوعز بخواهد با او ازدواج کند، باید هر چیزی را که نعومی از دست داده بود، از گرو در می‌آورد و تنها کسی که می‌توانست اموال نعومی را باز خرید کند، باید یک خویشاوند مرد، یک خویشاوند نزدیک می‌بود که بتواند این اموال را باز خرید کند. و او نزدیک‌ترین خویشاوند بود. او باید خارج از شهر یک اعلام عمومی می‌کرد. یعنی در ملاء عام اعتراف می‌کرد تمام آن چیزی را که نعومی از دست داده، منفک نموده است. و بوعز این کار را با درآوردن کفش نزد مشایخ انجام داد و گفت: "اگر در اینجا کسی هست که چیزی از اموال نعومی را در

---

<sup>۹</sup> اشاره به روت باب ۱، ۲ و ۴

اختیار دارد، من امروز آن را منفک نمودم."

۲۹. و این کاری است که خدا انجام داد. قوانین خود را دنبال نمود. خدا نمی تواند به شما یک قانون بدهد و خود چیز دیگری را دنبال کند. او قوانین خود را متابعت می کند. پس خدا برای رهایی از آنچه کلیسا از دست داده بود، جهان از دست رفته ی خلقت، فنا شد... خدا که در روح نامحدود است، برای رهایی نسل بشر، خود خدا همان خویشاوند شد، یک انسان، پسری که در رحم مریم خلق شد. و بعد او یک شهادت داد. بیرون از دروازه اورشلیم بین زمین و آسمان بلند کرده شد و مُرد و همه چیز را منفک نمود. و زمانی که خونش ریخته شد، کلیسا را تقدیس نمود. کلیسایی که خود بتواند در آن ساکن شود و با آن مشارکت داشته باشد. در محل مشارکت باغ عدن، جایی که هر روز خدا پایین می آمد. توجه کردید؟ خدا در زمان نسیم روز پایین می آمد. نکته ای در زمان آغاز شب وجود دارد. مردم به کلیسا فکر می کنند و به خدا و مسیحیان. وقتی می بینید که خورشید پایین می رود، متوجه می شوید که خورشید شما هم در حال افول است.

۳۰. و در خنکای غروب او پایین می آمد و با آنها مشارکت داشت. آنجا آن مشارکت را با آنها از دست داد. زیرا گناه، اجازه ی مشارکت داشتن را به آنها نمی داد.

سپس او جسم شد و در ما ساکن گردید. برای اینکه بتواند نزد انسان باز گردد، در انسان زندگی کند و دوباره انسان را به آن نقطه ی مشارکتی که داشت، بازگرداند و حقوق خدادادی او را به وی بازگرداند. این کاری است که او انجام داد.

۳۱. این هدف روح القدس است. دوباره این پدر است. خدا، پدر در شما ساکن می شود، نقشه خود را انجام می دهد تا آن نقشه ی انفکاک را به سرانجام برساند. از

طریق شما کار می کند. شما را همکار خود می کند و یک جایگاه و مکان به شما می دهد. به شما سهمی از آنچه از دست دادید، می دهد. برادر و خواهرم! او روح و محبت خود را به شما می دهد، تا گمشدگان را صید کنید. چنان که او در باغ عدن انجام داد. "آدم، آدم کجا هستی؟" این کاری است که روح القدس با یک مرد و زن انجام می دهد، وقتی به قلب های آنها وارد شده و در آنجا ساکن می شود. برای جان های گمشده یک گرسنگی و تشنگی ایجاد می شود.

این مشکل اکثر جلسات امروز است. لمس روح القدس برای رفتن به دنبال جان های گم گشته ای که رو به موت هستند، وجود ندارد. این بیشتر بخاطر نام یک کلیسا، یک فرقه، یک کلیسا یا یک ساختمان است. بجای اینکه برنامه ای برای صید جان ها باشد. چقدر رقت انگیز!

خدا خود را در مسیح ریخت. درست است.

۳۲. مسیح خود را در کلیسا ریخت، از این رو... حال نگاه کنید "در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من هستید و من در شما هستم." در آن روز خواهید دانست. چون تمام این یک نقشه ای رهایی است که انجام می شود، تا خدا باز گردد، در ما ساکن شود و با قوم خود مشارکت داشته باشد. چنان که در ابتدا انجام می داد.

حال، به محض اینکه او کلیسای خود را به شرایطی که صحبت کردیم می رساند، کلیسای خود را به مکانی می برد که بتواند از آن طریق محبت، مشارکت و عشق خود را به جریان بیندازد. آن وقت یک عدن پیش رو خواهد بود. او کلیسای خود را به جایی خواهد برگرداند که او را ترک نمود. این... حال، اینجا جایی است که اولین سقوط در آن آغاز شد. جایی که با هر لوح پاک، دقیقاً رهایی به همان مکان باز می گردند.



۳۳. کلیسا در طول زمان در دنیا بوده است. کلیسا، در حقیقت، بعد از اصلاحات، پس از دوره‌ی ۱۵۰۰ سال تاریکی... لوتر اولین اصلاحگری بود که بعد از دوره‌ی رسولان پیش آمد. بعد وقتی که لوتر پیش آمد، خدا مقداری از روح را در عادل شمردگی بر کلیسا ریخت و بعد در دوران جان وسلی مقدار بیشتری از خود را در تقدس، روی کلیسا ریخت و از آن دوره تا زمان آخر در حال رشد بوده، خدا نیز در حال پر کردن کلیسای خویش بوده است. فقط به اطراف خود نگاه کنید، ببینید که این درست است یا نه.

۳۴. به دوره‌ی لوتری نگاه کنید، شما که تاریخ را می‌خوانید، به بیداری آنها نگاه کنید و کاری که آنها کردند. ببینید که بیداری وسلی چقدر عظیم‌تر بود. چقدر قوت بیشتری داشتند، ولی در اقلیت بودند. به دوران پنطیکاست نگاه کنید. آن زمان چه بیداری داشتند! چه دروغ بزرگی!

۳۵. «زائرین یکشنبه‌های ما» در روزنامه‌ای اعتراف کردند که پنطیکاستی‌ها ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر تبدیل شده را فقط در ظرف یک سال داشته‌اند. بر تمام کلیساهای دیگر غلبه نمودند. کاتولیک‌ها این اعتراف را تغییر دادند و مدعی تنها یک میلیون نفر شده‌اند. «زائرین یکشنبه‌های ما» در روزنامه‌ی خودشان بیان کرده‌اند که پنطیکاستی‌ها بر آنها غالب شده‌اند.

یادتان باشد، تبدیل شدگان پنطیکاستی، روح القدس است که ایشان را تبدیل نموده است. زمان شروع آنها در اقلیت بودند. آنها کنار کوچه‌ها و خیابان‌ها با یک گیتار کهنه می‌ایستادند و... زنانشان حتی قادر به خرید یک جفت جوراب نبودند. کنار واگن‌های راه‌آهن می‌ایستادند و ذرت برمی‌داشتند، تا با آن برای فرزندانشان نان درست کنند. ولی به کجا رسیده است؟ یکی از پر قدرت‌ترین کلیساهای جهان. نه از نظر دنیا

که از نظر خداوند. زیرا او این را از طریق اعمالی که برایشان انجام می دهد، ثابت می کند. او خود را بر ایشان سرازیر می کند.

۳۶. توجه کنید که چه رخ داده است. خدا خود را بر ایشان می ریزد... حال، کلیسا از دوران لوتر، و سلی... و در ادامه با بیداری پنطیکاست به یک جایی رسیده است. و حال در دورانی که ما در آن هستیم، توسط همان روح القدس، با قوتی بیشتر... در آن دوران وقتی لوتری ها نجات یافتند، سهمی از روح القدس را یافتند. وقتی که متدیست ها به تقدس رسیدند، این یک عمل روح القدس بود. می بینید؟ این بخشی از روح القدس بود. کلام می گوید: "بدون ما آنها کامل نمی شوند." <sup>۱۰</sup> می بینید؟

۳۷. حال... بعنوان روشنایی در ایام آخر شروع به تابش نموده است. او منتظر ماست. یک کار بزرگ از ما، زیرا در جایی که زیاده عطا شده باشد، زیاد هم مطالبه خواهد شد. پس او از ما بیش از آنچه که از لوتری ها و متدیست ها انتظار داشت، مطالبه می کند. زیرا مادر نوری عظیم تر، با قوتی بیشتر با یک، با یک شهادت عظیم تر از آنچه که آنها داشتند، حرکت می کنیم. ما چیزهای ثابت تری داریم، اطمینانی بیش از آنچه آنها داشتند.

۳۸. ولی این درست مثل همان چیزی است که مدتی قبل در یک دانشکده ی لوتری به آنها گفتم.

آنها گفتند: "ما چه یافتیم؟"

گفتم: "یک مرد، زمینی را ذرت کاشت. اولین جوانه ها نمایان شدند. او گفت:

---

<sup>۱۰</sup> اشاره به عبرانیان ۱۱: ۴۰

«خدا را شکر برای این جوانه‌های ذرت.» در واقع او ذرت را داشت، ولی در شکل ابتدایی آن. همین‌طور که گذشت به ساقه رسید و کاکل‌های ذرت از آن بیرون آمد، که همان متدیست‌ها بودند."

۳۹. اگر به طبیعت نگاه کنید، کار خدا را خواهید دید. یک رازی در آنجا قرار دارد که با خدمت من نیز تطابق دارد. متوجه می‌شوید؟ ببینید طبیعت به این شکل چطور عمل می‌کند؟ خواهید دید که در چه دوره‌ای و چه زمانی، کجا زندگی می‌کنید. دوره را ببینید.

۴۰. حال به متدیست‌ها نگاه کنید. آنها آن کاکل ذرت بودند. آنها با نگاهی به عقب به لوتری‌ها می‌گفتند: "ما به تقدس رسیده‌ایم. شما سهمی در آن ندارید."

کم کم از آن گرده، یک خوشه‌ی ذرت پدید آمد، که پنطیکاست بود.

بفرمایید. یک بخش از آن، عادل شمردگی؛ بخشی دیگر آن، تقدس و بخشی دیگر، روح القدس. پنطیکاست، لوتر، و سلی، پنطیکاست.

۴۱. حال پنطیکاست چه... من شبیه این هستم، زیرا در پنطیکاست این بازگردانده شد. نه یک برگ سبز، نه یک کاکل ذرت...

ولی ذرت نمی‌تواند به همان کاکل ذرت بگوید: "هیچ کاری با تو ندارم." یا آن کاکل نمی‌تواند به برگ بگوید: "هیچ کاری با تو ندارم." زیرا همان حیاتی که در برگ بود، آن کاکل ذرت را ساخت. همان حیاتی که نور آن کامل بود، شاخه را ساخت.

این کلیسای لوتری بود که کلیسای و سلی را ساخت. این کلیسای و سلی بود که پنطیکاست را ساخت.

ولی پنطیکاست، این چه بود؟ این یک احیا از همان نوع، همان دانه‌ای بود که در ابتدا در زمین قرار گرفت و تمام قوت پنطیکاست را در ایام آخر از طریق تعمید روح القدس بازگرداند. اوه! این چیز بزرگی است برای دیدن، برای دیدن و ایمان آوردن.

۴۲. حال، در این دوران که ما در آن زیست می‌کنیم، این دوران، فراتر از پنطیکاست است.

پنطیکاست خود را با تشکیلات همراه نمود و در حال تقلید همه جانبه از تشکیلات و فرقه‌هاست. "ما این هستیم، یا ما آن هستیم." این طبیعی است. نمی‌توانید کاری بکنید. این طبیعی است. آنها این کار را خواهند کرد. برنامه برای آنها این است که این کار را انجام دهند.

ولی کلیسا به حرکت ادامه داده است. کلیسا به یک چیز قدرتمندتر و عظیم‌تر... این احیای عطا یا است.

خیلی از پنطیکاستی‌ها به شفای الهی، خدمت فرشتگان و قوآت خدا ایمان ندارند. خیلی از پنطیکاستی‌ها این رویاهایی را که من می‌بینم، از شیطان می‌نامند. خیلی از تشکیلات حتی کاری با پنطیکاست نخواهند داشت. می‌بینید؟ ما به فراتر از آن حرکت کرده‌ایم. درست همان‌طور که متدیست‌ها، پنطیکاستی‌ها را به خاطر صحبت به زبان‌ها دیوانه می‌خوانند.

درست مثل همان زمان که لوتری‌ها به متدیست‌ها، بخاطر فریادشان در حضور خدا می‌گفتند دیوانه... می‌بینید؟ ولی تمام اینها از روح القدس است. تا زمانی که کلیسا کاملاً پر شده باشد. هلولیاه! از قدرت خداوند قادر به جایی رسید که همان اعمالی که عیسی

انجام داد، اکنون خود را در کلیسا آشکار می‌سازد. ما نزدیک هستیم ای دوستان!

۴۳. بگذارید چند لحظه همین‌جا توقف کنیم تا متوجه شویم که خدا برای چه روح القدس را در کلیسا قرار دارد. یک نمونه‌ی دیگر به شما می‌دهم تا بهتر متوجه شوید.

در عهد عتیق زمانی که یک مرد برای خود خانه‌ای بنا می‌کرد، عروس خود را به آنجا می‌آورد. اولین نکته.

آن وقت او مردی بزرگ می‌شد. مثل یک تشکیلات، این خوب بود.

اتفاق بعدی که می‌افتاد، یک تولد در آن خانه بود. این زمانی است که روح القدس... می‌بینید؟ یک روح دیگر وارد می‌شد. که یک پسر بود. آن پسر دارای تمام مسئولیت‌ها نبود. همچنین تا قبل از اینکه به سن مشخصی برسد، وارث محسوب نمی‌شد. او ابتدا باید شایستگی خود را اثبات می‌کرد.

بله، و بعد آنها قانون فرزند خواندگی را داشتند. خطاب به شما خادمین، جایگاه پسری چیزی است که از آن صحبت می‌کنم. متوجه هستید؟ سپس وقتی به جایی می‌رسید که باید پذیرفته می‌شد... عیسی در کوه هیئت یک تصویر بسیار زیبا از این تبدیل به نمایش گذاشت.

۴۴. همان‌طور که گفتم، خدا برای انجام هیچ کاری از قانون خود عدول نمی‌کند.

اگر شما یک چاه روی این تپه داشته باشید که آب آن در تمام آسمان سرازیر شود، و در آن یکی تپه زمین زراعی هم داشته باشید، می‌توانید بایستید و فریاد بزنید: "ای آب! بیا و بر زمین من بریز. ای آب! بیا و زمین مرا پر کن." هرگز این اتفاق رخ

نخواهد داد. اما اگر بر اساس قانون جاذبه و تمایل عمل کنید، می‌توانید آن زمین را آبیاری کنید.

۴۵. اگر یک بیمار اینجا داشته باشید، یا یک گناهکار یا کسی که می‌خواهد خوب باشد؛ مثلاً کسی که نمی‌تواند سیگار را ترک کند، نمی‌تواند نوشیدن مشروب را کنار بگذارد، یا از شهوت رنج می‌برد. اگر شما بر طبق قانون خدا کار کنید، روح القدس آنجا پایین می‌آید و او دیگر از آن خود نخواهد بود. او آن کار را ترک خواهد نمود. زیرا روح القدس او را احاطه نموده است. ولی شما باید بر طبق قانون خدا کار کنید.

۴۶. در عهد عتیق زمانی که کودک متولد می‌شد، آنها نظارت می‌کردند تا ببینند او چه رفتاری خواهد داشت.

بعد پدر که در آن زمان شاید تاجری بزرگ بود، در سن چهل یا پنجاه سالگی وقت این را نداشت که خودش به این نوزاد تعلیم دهد. پس از این‌رو... در آن دوران هم مانند امروز مدارس عمومی وجود نداشت. پس آنها کسی را مانند معلم خصوصی برای او می‌گرفتند. این فرد باید بهترین کسی بود که می‌توانستند پیدا کنند. پس او می‌بایست راستگو بوده و حقیقت را به پدر می‌گفت.

۴۷. و بعد زمانی که این پسر به سن مشخصی می‌رسید، یعنی بالغ می‌شد. اگر آن پسر، پسر خوبی نبود و به تجارت پدر خود اهمیت نمی‌داد، تنها چیزی که یاد گرفته بود این بود که به دنبال زنان و دختران بدود و وقت خود را با آنها سپری کند، یا مشروب بنوشد و قمار کند... او همیشه می‌توانست پسر باشد، اما هرگز نمی‌توانست در جایگاهی قرار بگیرد که بعنوان وارث، تمام آنچه را که پدر داشت، در اختیار بگیرد.

ولی اگر پسری نیکو بود و این نیکو بودن را اثبات کرده و به مسائل پدر خود اهمیت می داد، آن وقت جشنی برپا می کردند. پسر را به خیابان می بردند و ردایی سفید بر دوش او می انداختند. او را بر تختی می نشاندند که تمام شهر بتواند آن را ببیند. آنها بزمی برپا می کردند و بعد پدر جشن فرزند خواندگی را برپا می کرد. او پسر خویش را در کار خود می پذیرفت و بعد پسر با پدر خود برابر می شد. به عبارتی دیگر، اگر امروز بود، اسم پسر و امضای او روی چک به اندازه ی نام و امضای پدر معتبر بود.

۴۸. حال ببینید که خدا چه کرد. وقتی که پسر او متولد شد، به او اجازه داد که سی سال بگذرد. او را آزمود. در آزمایش آورد و سپس سه سال او را در آزمونی بسیار دشوار قرار داد. بعد در پایان آن سه سال آزمون دشوار، وقتی که دید پسر نگران کار پدر است. یعنی همان کوه هیئت تبدیل در کتاب لوقا. پطرس، یعقوب و یوحنا را بعنوان سه شاهد بر گرفت و به بالای کوه رفت. در آنجا بود که خدا قانون فرزند خواندگی را انجام داد. او... آنها به بالا نگاه کردند و عیسی را دیدند. دیدند که لباس او مانند آفتاب درخشان است و یک ابر بر او سایه افکند، صدایی از ابر آمد و گفت: "این است پسر حبیب من، او را بشنوید. اکنون چیزی دیگر برای گفتن ندارم. هر چه او بگوید قانون و حقیقت است." <sup>۱۱</sup>

۴۹. اکنون نیز کلیسا از طریق آن مدارس عبور نموده است. در گذشته ازدواج کرده و به یک تشکیلات و یک فرقه تبدیل شده است. ولی توجه کنید. تولد، چیز دیگری را به ثمر آورده و اینک به جایی رسیده است که کلیسای پنطیکاستی با تولد تازه آزموده و سنجیده شده است. و اکنون در حال رسیدن به جایی است که... خدا با کلیسا تنها بعنوان یک تشکیلات سرو کار ندارد.

<sup>۱۱</sup> اشاره به انجیل متی باب ۱۷ و انجیل لوقا باب ۹

او با کلیسا بعنوان گروهی از مردم سرو کار ندارد. او با کلیسا بعنوان فرد کار دارد، هر فردی در کلیسا. و اینک زمانی رسیده است که... و این راز نیست. همه‌ی ما این را می‌بینیم و می‌دانیم. وقتی یک انسان اثبات می‌کند و خدا او را محبت می‌کند، او را خارج می‌کند. به جایی می‌برد که برای خویش است. آنجا در برابر فرشتگان برای او کاری انجام می‌دهد. او در حضور خدا بلند می‌کند. او را پیشکش می‌کند. او را پر می‌سازد و بیرون می‌فرستند. این دوره‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم.

۵۰. همان روح القدس که لوتری‌ها را نجات داد، متدیست‌ها را تقدیس نمود و بنطیکاستی‌ها را تعمید داد، اینک در حال مهیا نمودن آمدن خداوند است. زمانی که چنان قدرتمند خواهد بود که بدن وارد گروه کلیسا می‌شود و مابقی آنها را از گور بیرون می‌کشد، یک رستاخیز خواهد بود. این چیزی است که روح القدس بخاطرش وجود دارد. روح القدس چیست؟ آنها نمی‌توانند بدون ما کامل شوند. آنها در یک دوره‌ی دیگر، تحت آن زیست کردند. ما در دورانی دیگر زندگی می‌کنیم.

زمانی که دشمن سیل آسا وارد می‌شود، من، روح خدا، یک الگو در برابر آن بلند می‌کنم. می‌بینید؟ امروز ما در دورانی هستیم که...

۵۱. در گذشته، آنها نیمی از زیرکی این دوره را نداشتند. آنها قادر به ساختن بمب اتم و یا اتومبیل نبودند. آنها علم و چیزهای عجیب و غریبی را که ما امروز داریم، نداشتند. برای اینکه بگوییم انسان از دمیده شدن در خاک شکل گرفت، آن را تجزیه و تحلیل کنی و سعی کنی که آن را اثبات نمایی تا جماعت را کافر سازی.

ولی اینک، وقتی به آن احتیاج داریم، خدا یک استاندارد را بلند می‌کند. این چیست؟ او روح خود را می‌ریزد. آن وقت کسانی که آن سوی مرزها در گور آرامیده‌اند



و یا آنانی که زیر مذبح خدا قرار دارند و چنان که کلام می گوید: "فریاد می زنند، ای خداوند! تا به کی؟ چه مدت؟ پس کی؟" خدا منتظر من و شماست. کلیسا منتظر من و شماست. زمان فرزند خواندگی، زمانی که خدا می تواند پُری خود، قوت خود و قیامت خود را بر ما بریزد. زمانی که کلیسا و مسیح آن قدر به هم نزدیک می شوند که مسیح در میان ما آشکار می گردد، مردگان را بر می خیزاند و ما ر بوده می شویم.

۵۲. حال می خواهیم بگوئیم، بعد از مدتی نشان می دهیم که فقط کسانی که از روح القدس پر شده باشند، در ر بوده شدن خواهند بود. "و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید..."<sup>۱۲</sup> درست است، تنها آنانی که از روح القدس پر شده اند، در ر بوده شدن رفتند. حال، خدا روح القدس را داده است.

۵۳. یک بخش دیگر را دارم در یوحنا ۱۴:۱۲. این برای تمام کسانی که اینجا در خیمه هستند، آشناست.

"آمین آمین به شما می گویم، هر که به من ایمان آورد.."

حال اجازه ندهید کلمه ی "ایمان آورد" به نوعی شما را به عقب بازگرداند. در یک کلیسای نامی می گویند: "بله، من ایمان دارم. قطعاً ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خدا است." شیطان هم به همین ایمان دارد. دقیقاً. کتاب مقدس می گوید که ایمان دارد.

ولی در یوحنا گفته شده است که هیچ کس نمی تواند عیسی را مسیح بخواند، مگر به روح القدس... بگذارید قبل از اینکه خواندن آیه را تمام کنیم، چند لحظه همین جا مکث کنیم. شما تا زمانی که روح القدس را نیابید، تبدیل نشده اید. درست است.

<sup>۱۲</sup> مکاشفه ۲۰:۵

۵۴. شما «برای آن» ایمان دارید، روح القدس با شما سخن گفته و شما در برابر همه او را اعتراف نموده‌اید. شیطان هم همین را دارد. "من ایمان دارم که او پسر خداست." شیطان هم ایمان دارد. ولی شما به سمت او حرکت می‌کنید.

وقتی پطرس مخاطب قرار گرفت و با ایمان به خداوند عیسی مسیح، عادل شمرده شد... در یوحنا ۱۷:۱۷ عیسی آنها را به کلام تقدیس نمود؛ زیرا کلام، راستی بود و او کلام بود. یوحنا ۱:۱ می‌گوید: "در ابتدا کلمه بود، کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود." "و کلمه جسم گردید و در بین ما ساکن شد." او کلمه بود، پس آنان را تقدیس نمود. او گفت: "پدر!" در روح با او صحبت می‌کرد. "من ایشان را به کلام تقدیس نمودم." خود او، بر ایشان دست گذارده است. "کلام تو راستی است." فقط با او سخن گفت تا در رحم یک زن بوجود بیاید. او! کاملاً برای او ممکن بود تا بصورتی غیر از کلام خدا، خود را آشکار نماید. "ایشان را تقدیس نمودم."

۵۵. او در برابر ارواح ناپاک به آنها قدرت داد. آنها بیرون رفتند. او نام ایشان را در دفتر حیات بره قرار داد. ایشان را فرستاد. انجیل متی باب ۱۰. و بر ارواح ناپاک قدرت داد تا دیوها را اخراج کنند و این قبیل کارها را انجام دهند. آنها با شادی بازگشتند و گفتند: "حتی دیوها ما را اطاعت می‌کردند."

او گفت: "خوشحال نباشید که دیوها شما را اطاعت می‌کنند. خوشحال باشید که نام شما در دفتر حیات مکتوب است." و یهودا نیز با ایشان بود. می‌بینید که چقدر می‌تواند نزدیک بیاید. درست همراه با عادل شمردگی، حرکت به سمت تقدس. ولی نور خود را کجا نشان داد؟ کجا خود را نشان داد؟ قبل از پنطیکاست. او فقط...

۵۶. مراقب باشید، آن روح می‌تواند به همان اندازه عادل، وارسته و همان مقدار هم

مقدس نما باشد؛ تا زمانی که می‌رسد به روح القدس. آنها همان‌جا آن را قطع می‌کنند. این آن روح است که رو به جلو می‌رود. (آیا نمی‌توانید ببینید؟) ضد مسیح. و عیسی گفت: "در ایام آخر این دو روح آن‌قدر به هم نزدیک خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌نمود." <sup>۱۳</sup> ولی یادتان باشد، این فقط برگزیدگان هستند که این را خواهند دید.

خدا با برگزیدگی فرامی‌خواند، او... آیا خوشحال نیستید از اینکه یکی از آنها هستید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] آیا این شما نیستید که می‌دانید چیزی در درونتان می‌گوید: "روح القدس را می‌خواهم. تو را می‌خواهم. خداوند! تو را در قلبم می‌خواهم؟" این بخاطر آن است که خدا نام شما را پیش از بنیان عالم در دفتر حیات بره قرار داد.

او گفت: "هیچ کس نزد من نمی‌آید." عیسی می‌گفت: "مگر آنکه پدر، او را به من عطا کرده باشد و هر آنکس که نزد من می‌آید، ایشان را حیات ابدی خواهم داد." حیات ابدی چیست؟ روح القدس. حیات ابدی. این کلمه را بردارید و در یونانی نگاه کنید. معنی آن «ژیی» <sup>۱۴</sup> هست و این «ژیی» همان روح القدس است. "آنانی که پدر به من بخشیده است، نزد من خواهند آمد. و هر آنکس که به نزد من آید، روح القدس را به او عطا خواهم نمود. و او را در ایام آخر برمی‌خیزانم. من این کار را خواهم کرد." او گفت: "هیچ اما و اگر در این کار نیست. «انجام خواهم داد.» هر آنکس که... و حیات ابدی خواهم داد." او باید برخیزد، چون حیات ابدی را یافته است. او می‌بایست بیاید. او دیگر نمی‌تواند بمیرد. همان‌طور که خدا نمی‌تواند بمیرد.

<sup>۱۳</sup> اشاره به انجیل متی ۲۴:۲۴ و انجیل مرقس ۱۲:۲۲  
<sup>۱۴</sup> zoe

۵۷. او، دوستان عزیز می که از سراسر این کشور و این شهر کوچک به اینجا آمده‌اید! اگر می‌توانستم با صدای بشری خود اهمیت دریافت تعمید روح القدس را در قلب شما بگذارم، قطعاً عالی‌ترین مکاشفه‌ای بود که در تمام عمر خود داشتید، تا ببینید که... شما باید این کار را انجام دهید.

بگذارید چیزی را در مورد اینکه شما تبدیل نشدید، برایتان روشن کنم.

۵۸. پطرس نجات یافته بود. او به خداوند ایمان داشت و او را دنبال می‌کرد. عیسی به او گفت که کیست و این، او را واداشت تا عیسی را دنبال کند. او را بر ارواح ناپاک قدرت داد و تقدیس نمود. ولی بعد از تمام اینها... او سخنگوی گروه شد یا همان‌طور که کاتولیک‌ها می‌خواهند بگویند، اسقف کلیسا یا پاپ یا هر چه که بود، مسئول کلیسا. در شب انکارش به او گفت: "پطرس آیا مرا دوست داری؟"

و او گفت: "خداوندا! می‌دانی که دوستت دارم."

گفت: "گوسفندان من را خوراک بده." و سه بار این را تکرار کرد.

و پطرس گفت: "می‌دانی که دوستت دارم." و گفت: "با تو تا به موت همراه خواهم بود."

۵۹. او گفت: "قبل از اینکه خروس بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی نمود." و گفت: "ولی من برای تو دعا کردم." گوش کنید، این همه‌ی مطلب نیست. "من برای تو دعا کردم. وقتی برگشتی و تبدیل شدی، برادرانت را استوار گردان." <sup>۱۵</sup>

---

<sup>۱۵</sup> اشاره به انجیل متی باب ۲۶، انجیل مرقس باب ۱۴، انجیل لوقا باب ۲۲ و انجیل یوحنا باب ۱۳

"پس از اینکه تبدیل شدی... " او احتمالاً در روح رقصیده بود. فریاد زده بود. تمام این کارها را را کرده بود. ولی هنوز روح القدس را نیافته بود. "بعد از اینکه تبدیل شدی، آن وقت برادرانت را استوار گردان." درست است. نقشه‌ی خویش را انجام داد.

۶۰. حال، بگذارید خواندن یوحنا ۱۲:۱۴ را تمام کنیم. در باب ۱۴ آیه‌ی ۱۲ عیسی گفت: "آمین آمین به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد... " و شما نمی‌توانید ایمان آورید... می‌توانید به او ایمان داشته باشید. چند نفر این را درک می‌کنند؟ بگویند «آمین». [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۶۱. یادتان باشد در اعمال باب ۱۹، دوست ندارم اینجا متوقف شوم، ولی باید همان‌طور که بر من می‌آید، بگویم. در اعمال باب ۱۹ زمانی که آن واعظ باپتیست که یک روحانی بود و تبدیل شده بود؛ داشت موعظه می‌کرد و قوم را نجات می‌داد و آنها خوشی عظیمی داشتند، شاد بودند و فریاد می‌زدند؛ یک جلسه داشتند. اعمال باب ۱۸.

آکیلا و پرسکالا... دیشب به آن اشاره کردیم... رفتند تا او را ببینند. آنها می‌دانستند که او مرد بزرگی است. او از طریق کلام اثبات می‌کرد که عیسی پسر خدا بود و تنها تعمید یوحنا را می‌شناخت. او هنوز تعمید روح القدس را دریافت نکرده بود. او گفت: "آکیلا و پرسکالا، آن زن و شوهر خیمه دوز." پولس هم خیمه دوز بود و آنها با تعلیم پولس، روح القدس را یافته بودند. آنها گفتند: "ما یک برادر داریم که به اینجا می‌آید. بگذار او هم مقداری در این مورد سخن بگوید."

و بعد پولس آمد و موعظه‌ی او را شنید. می‌دانست که او مرد بزرگی است. او گفت: "آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟"

آنها گفتند: "بلکه نشنیدیم روح القدس هست."

پولس گفت: "پس به چه تعمید یافتید؟" عبارت یونانی آن چگونه است.

آنها گفتند: "به تعمید یحیی تعمید یافتیم."

۶۲. حال ببینید که پولس چه پاسخی داد. او گفت: "یحیی البته تعمید توبه می داد و نه آمرزش گناهان. بلکه تعمید توبه و می گفت: «این همان است که وقتی عیسی را بعنوان نجات دهنده خود می پذیرید به آن ایمان دارید.» شما به تعمید روح القدس ایمان دارید."

وقتی مسیح را بعنوان نجات دهنده‌ی شخصی خود می پذیرید، برای تعمید روح القدس ایمان می آورید. ولی این تعمید روح القدس نیست، برادران باپتیست من! این اشتباه است.

۶۳. یک روز برادری به ما گفت: "برادر برانهام!... " یا شاید هم مدتی پیش، مثلاً چند ماه پیش بود. او گفت: "برادر برانهام! ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او عدالت محسوب گشت."

گفتم: "درست است."

گفت: "انسان چه کاری بیش از ایمان می تواند انجام دهد؟"

۶۴. گفتم: "این تمام کاری است که یک انسان می تواند انجام دهد. تمام کاری که امروز می تواند انجام دهد، این است که به خدا ایمان داشته باشد. ولی خدا به او مُهر ختنه را داد به عنوان نشانی که او در ایمان پذیرفته شده است." که دیشب به آن پرداختیم و امروز...

وقتی شما او را به عنوان نجات دهنده‌ی خود می‌پذیرید، به او ایمان دارید. ولی وقتی خدا مُهر روح القدس را به شما می‌دهد، او شما را برای مقصد ابدی مُهر نموده است. حال شما باپتیس‌ها، آن را برگیرید و من با شما به امنیت ابدی می‌آیم. بله آقا! "روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختون شده‌اید، محزون مسازید." شما با ایمان داشتن مُهر نشده‌اید، بلکه به روح القدس مُهر شده‌اید. افسسیان ۴:۳۰ می‌گوید: "روح قدوس خدا را که به آن تا روز رستگاری مختون شده‌اید، محزون نسازید." این شما را مُهر می‌کند، وقتی نزد او التفات یافتید، و او شما را به روح القدس مُهر نمود.

این گونه است، چون کتاب مقدس می‌گوید: "احدی جز به روح القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت."<sup>۱۶</sup>

۶۴. می‌گویید: "من ایمان دارم، چون شبان گفته است." او درست می‌گوید. ولی این برای شما محسوب نمی‌گردد و فایده‌ای ندارد، بلکه "ایمان دارم، چون کلام می‌گوید." درست است. ولی این برای شما نیست. برای شما محسوب نمی‌شود.

تنها راهی که می‌توانید بگویید که عیسی، مسیح است. زمانی است که روح القدس بر شما می‌آید، میوه داده و خود شهادت می‌دهد که «او پسر خداست». این تنها راهی است که قیامت و قیام را می‌شناسید، یعنی زمانی که روح القدس میوه می‌آورد، "چون روح القدس آید بر من شهادت می‌دهد، چیزهایی که باید بیاید را نشان می‌دهد و چیزهایی که به شما گفتم را به یاد شما می‌آورد."<sup>۱۷</sup> هرگز این را در یک مدرسه پیدا نمی‌کنید. می‌بینید؟ او این چیزها را بخاطر شما می‌آورد.

<sup>۱۶</sup> اول قرنثیان ۱۲:۳

<sup>۱۷</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۱۵

۶۵. حال می خواهیم یک بار دیگر کلام را بخوانیم. یوحنا ۱۴:۱۲.

"آمین آمین به شما می گویم، هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می کنم او نیز خواهد کرد و بزرگ تر از اینها..."

که بیشتر ترجمه‌ی درست آن، این است. اگر می خواهید مقایسه کنید...

"و بزرگ تر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می روم."

۶۶. او نزد پدر رفت و روح القدس آمد. درست است؟ یک بخش دیگر می گوید:  
"گر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، دوباره نزد شما باز می گردم و با شما در شما خواهم بود." ببینید، این خدا با شما است. ابتدا فوق از شما، با شما در مسیح، در شما در روح القدس، خدا در شما.

۶۷. حال، "اعمالی را که من می کنم او نیز خواهد کرد." نه یک عمل دیگر. بلکه خدا می خواهد روح القدس را در شما بیاورد تا همان کاری را که در مسیح می کرد، ادامه دهد.

در دوران لوتر خیلی نیازمند نبود، این کلیسای خدا بود. اما در دوران وسلی نیازمندتر بود.

زیرا چنان که کتاب مقدس می گوید: "جهان سست تر، خردمندتر و نابکارتر از تمام دوران می گردد." ما... اکنون جهان بیش از هر زمان دیگری در شرارت است... این را می دانم. چرا که انسان اکنون کارهایی را انجام می دهد که صد سال قبل تصور آن نمی رفت که یک انسان آن قدر ستمگر باشد. "شوروتر از تمام دوران، و شوروان شرارت ورزند." کتاب مقدس گفته است: "بیشتر و بیشتر."



۶۸. روح القدس در حرکت بوده است. نسیمی از آن با لوتر بود. نسیمی بیشتر با وسلی و یک نسیم قوی تر با پنطیکاست. آن دم و روح یک شده‌اند. او، کلیسا، در حال یکی شدن و در حال ثمر دادن است. همان وزش قدرتمند روح القدس است. چنان که او در گذشته انجام می‌داد، و در حال ظاهر نمودن همان اعمالی است که در گذشته انجام می‌داد و امروز نیز ظاهر می‌شود. همان اعمال.

۶۹. ببینید که عیسی چه گفت: "آمین آمین به شما می‌گویم که پسر از خود کاری نمی‌کند، مگر اینکه پدر آن را نشان دهد." پدر هر کاری می‌کند، به پسر نشان می‌دهد. پدری که در من ساکن است، اوست که این اعمال را انجام می‌دهد. می‌بینید؟

۷۰. حال توجه کنید، اینجا یک چیز دیگری هست که می‌خواهم الآن بگویم. همان‌طور که عیسی گفت: "چنان که پدر من را فرستاد..." چنان که، حال ببینید: "چنان که پدر من را فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم." چنان که پدر... پدر چگونه او را فرستاد؟ پدری که او را فرستاد، پایین آمد و در او ساکن شد.

او پیش رفت. گفت: "همیشه کاری را انجام می‌دهم که پدر من را خشنود سازد." می‌بینید؟ او می‌خواست اعمالی را انجام دهد که پدر به او نشان می‌داد. "کاری نمی‌کنم، مگر اینکه ابتدا پدر آن را به من نشان دهد." خدایی که او را فرستاد، در درون او بود. "و چنان که پدر من را فرستاد" (به همان صورتی که پدر من را فرستاد.) "من نیز شما را می‌فرستم." این چیست؟ خدا در شما چه کاری انجام می‌دهد؟ همان اعمال همان.

عیسی گفت: "هر که ایمان آورد..." او که مرا در خود دارد. روح القدس را. هر که ایمان آورد، که اینک شاهد رستاخیز من بوده و بداند که من در او هستم... او که در من است. اگر در من بمانید، کلام من در شما بماند.

۷۱. حال، شما می گوئید: "من در عیسی می مانم، ولی قطعاً به شفای الهی ایمان ندارم." این نشان می دهد که او آنجا نیست.

۷۲. "من به عیسی ایمان دارم، ولی به روح القدس در این دوران ایمان ندارم. نه به آن صورتی که در آن دوران بود." این نشان می دهد که او اینجا نیست.

۷۳. روح القدس به هر کلامی که از آن سخن رفته، شهادت می دهد. او دروغگو نیست. او از هیچ کس و هیچ تشکیلاتی هراسان نیست. او مجبور نیست که بخاطر کسی کوتاه بیاید. او می گوید و با آن کلام می ماند.

اگر تحصیلکردگان و بلند مرتبه ها و یا چنان که ما می گوئیم، با نفوذها نخواهند که او را بپذیرند، "خدا قادر است تا از این سنگها برای ابراهیم فرزندان بسازد." <sup>۱۸</sup> او گانگسترها و قاچاقچی ها و هرکس دیگر را گرفته و آنها را بلند خواهد نمود. خدا می تواند این کار را بکند و در حال انجام آن است. "خدا قادر است از این سنگها برای ابراهیم فرزندان بسازد." یک نفر می خواهد این کار را بکند. زیرا او خدا است.

۷۴. "اگر در من بمانید و کلام من در شما، هر آنچه می خواهید، بطلبید." زیرا شما کلام او را می طلبید و کلام او حیات است. این را به زبان بیاورید. اگر خدا این را گفته و شما اطمینان دارید که گفته است، روح القدس چیزی را ثمر می دهد که درست است. برادر! بگوئید، پس انجام می شود. "اگر به این کوه گوئید منتقل شو و در دل خود شک نداشته باشید، بلکه یقین دارید که آنچه گوئید می شود، هر آینه هر چه گوئید به شما عطا شود." [برادر برانهام سه بار دست می زند.] این شما نیستید که سخن می گوئید، بلکه پدری که در شما ساکن است. اوست که سخن می گوید. این شما نیستید که با کوه

<sup>۱۸</sup> اشاره به انجیل متی ۹:۳ و انجیل لوقا ۸:۳

تکلم می کنید، پدری که در شما ساکن است به کوه می گوید که منتقل شود. او گفت: "آسمان و زمین زائل شوند. اما روح من، یا کلام من تا ابد باقی است." قطعاً این نمی تواند زائل شود.

۷۵. حال، "کارهایی را که من می کنم..." خدا در کلیسای خویش است تا کار خود را ادامه دهد. بخاطر همین است که او روح القدس را فرستاد. او این را می دانست. اوی می دانست که آن گونه انجام نخواهد شد، پس باید آن را می فرستاد. حال پدر، پسر را فرستاد. تمام آنچه در پسر بود را در شما قرار دهد. و همان کارهایی را که او کرد، عین همان اعمالی را که عیسی انجام داد، شما نیز انجام خواهید داد، یعنی کلیسا.

آیا نمی خواهید اعمال خدا را بجا آورید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] عیسی گفت به من ایمان بیاورید. چطور به او ایمان دارید؟ نمی توانید این کار را انجام دهید، تا زمانی که روح القدس را بیابید.

۷۶. زیرا هیچ کس نمی تواند بگوید که او پسر خداست، مگر به روح القدس. شما چیزی را می گوید که کسی دیگر گفته است. "کتاب مقدس گفته است که او پسر خداست. من به کتاب مقدس ایمان دارم." بسیار خوب. "کتاب مقدس می گوید که او پسر خداست. من به کتاب مقدس ایمان دارم." "شبان می گوید که او پسر خداست. من به شبان ایمان دارم." "مامانم گفته است که او پسر خداست. من به مامانم ایمان دارم." "دوستم می گوید که او پسر خداست. من به دوستم ایمان دارم."

ولی تنها زمانی که می توانم بگویم او پسر خداست، زمانی است که روح القدس بر من آمده و بر آن شهادت دهد. آن وقت می دانم که او پسر خداست. [برادر برانهام چهار بار بر روی منبر می زند.] هیچ کس نمی تواند عیسی را «مسیح» بخواند، مگر به روح القدس.

۷۷. هیچ انسانی نمی تواند به روح صحبت کند و عیسی را ملعون خواند یا بگوید عیسی در آن دوران چیزی دیگر بود و در این دوره چیزی دیگر است. همین است که او را سست و لغزش پذیر می سازد. خیر آقا!

او دیروز، امروز، و تا ابدالابد همان است. هر روح راستینی بر آن شهادت می دهد. بسیار خوب.

۷۸. حال، او گفت: "اعمالی را که من می کنم، شما نیز خواهید کرد." یوحنا ۱۲:۱۴. حال، همان کارها.

اوه! آنها می گویند: "کلیسا امروز کاری بزرگ تر انجام می دهند." به کدام طریق؟ او گفت: "اعمالی که من بجا می آورم."

آنها می گویند: "ما میسیونرها را در سرتاسر جهان داریم، این کار عظیمی است."

۷۹. ولی عیسی گفت: "کارهایی را که من می کنم." حال، آنها را انجام دهید. ابتدا آنها را انجام دهید، سپس در مورد میسیونرها صحبت کنید.

۸۰. امروز... چند وقت پیش اینجا در مورد یک مسلمان صحبت می کردم. او گفت: "محمد مرده است."

او گفت: "درست است. اما روزی خواهد برخاست. اگر او از گور برخیزد، تمام دنیا ظرف ۲۴ ساعت این را خواهند فهمید. شما می گوید که عیسی دو هزار سال پیش قیام کرده است. ولی هنوز یک سوم دنیا هم این را نمی دانند."

این بخاطر آن است که شما با یک منظر عقلانی از آن صحبت می کنید. شما از

یک نقطه نظر علمی به آن می‌پردازید.

اگر تمام اینها، کلیسای بزرگ خدا، با احتساب کاتولیک‌ها، پنطیکاست و تمام آنها با هم، اگر روح القدس را می‌یافتند، این جهان یکپارچه در مسیحیت می‌بود. دیگر چیزی به نام کمونیسیم وجود نداشت. دیگر چیزی به نام جنگ، نزاع، دشمنی و تنفر وجود نداشت. عیسی بر تخت سلطنت خود می‌نشست. آن وقت ما با یک حیات ابدی، در بهشت خدا گام برمی‌داشتیم. اکنون در یک بدن تازه قیام کرده بودیم و قدم می‌زدیم. هرگز پیر نمی‌شدیم. بدون هیچ بیماری، بدون گرسنگی، در حضور خدا با شادی خدا راه می‌رفتیم. با حیوانات حرف می‌زدیم... اوه چه روزی! ولی ما هر کاری کردیم، به جز آنچه که او گفته است. او...

۸۱. او گفت: "پس رفته در تمام عالم به انجیل موعظه کنید." <sup>۱۹</sup> انجیل چه می‌کند؟ نه فقط با حرف، بلکه با قوت و نمایش قوت روح القدس. انجیل، ظاهر ساختن کلام خداست.

۸۲. شما نمی‌توانید این کار را بکنید. حال عیسی این را می‌دانست که باید در کلیسای خویش زیست کند.

بنابراین، او می‌دانست که ما مدارس عقلانی خواهیم داشت و شما هرگز در چنین جایی به او نمی‌رسید. آنها بر علیه آن هستند. زیرا تمام چیزی که آنها می‌دانند، چند تعلیم انسانی است. چند اعتقادنامه‌ی فرقه‌ای که می‌خواهند با آن زیست کنند. آنها شما را در آن قرار داده و عضوی از آن می‌سازند. و برادر! چیزی را توسط اعتقادنامه به شما می‌گویند که شاید کامل به نظر برسد. می‌گویند: "کلیسای بزرگ مقدس، مادر، در

<sup>۱۹</sup> اشاره به انجیل مرقس ۱۶: ۱۵

برابر ضربات زیادی ایستاده است. " شیطان هم همین طور است. او از هر جایی بیرون انداخته شده و همچنان به همان صورت در حال پیشروی است. بله آقا! آنها تلاش می کنند تا این را بازگو کنند.

۸۳. پس عیسی می دانست که یک دوره ی عقلانی، درست مانند ایام خودش خواهد بود که فقط به شستن ظروف و پیاله ها توجه دارد. این تمام کاری است که آنها انجام می دهند. به همین دلیل او گفت: " صبر کنید، شما را تنها و یتیم نمی گذارم، دوباره می آیم تا با شما باشم. " بنابراین... او گفت: " اعمالی را که من بجا آوردم، شما نیز بجا خواهید آورد. "

۸۴. هدف خدا از فرستادن روح القدس این بود که بتواند با گروهی از قوم به کارهای خویش ادامه دهد. تا خدا را بر دنیا آشکار سازد. دقیقاً این گونه است. نه از طریق یک اعتقادنامه، نه توسط یک فرقه، بلکه با قوت قیامش، با تحقق بخشیدن کلامش، با گرفتن وعده و ایستادن در کنار اقلیت با ایمان به خدا و دیدن اینکه آسمان های سیاه به عقب می روند و قوت خدا وارد شده و غالب می آید. آمین! این چیزی است که او می خواهد. این چیزی است که روح القدس بخاطرش فرستاده شد. این آن هدفی است که روح القدس برایش فرستاده شد.

۸۵. بنابراین، هیچ خون دیگری نمی توانست قوم را تقدیس نماید. من نمی توانستم شما را تقدیس کنم و شما هم نمی توانستید من را تقدیس کنید. زیرا همه ی ما بعد از یک عمل جنسی متولد شده ایم. ولی عیسی بدون عمل جنسی متولد شد. درست است. خون او تقدیس کننده بود. خدا پایین آمد، یک جسم بر گرفت، در آن زیست کرد و آن خون را به جهت تقدیس نمودن، ریخت؛ که کاملاً گناه و عار را دور کرد. سپس از طریق ایمان، ذریت ابراهیم را می سازد.

۸۶. ایمان به اینکه آن خون می‌آید، آن خون خالص که مانند این خون معجزه خواهد بود، بعد از اینکه «مانند مردگان بود»، در آنجا راه می‌رود. او ۲۵ سال به خدا ایمان داشت. هفتاد و پنج ساله بود که به خدا ایمان آورد و تا صد سالگی ایمان داشت، ساره نیز شصت و پنج ساله بود و تا نود سالگی ایمان داشت. و او نیز «مانند مردگان بود».

و خدا گفت: "فرزندت را به بالای کوه بیاور و بعنوان قربانی تقدیم کن."

۸۷. او به مستخدمین خود گفت: "شما اینجا در کنار الاغ‌ها بمانید. من و پسر برای عبادت می‌رویم، و من و پسر باز می‌گردیم." او! او چگونه می‌خواست این کار را انجام دهد؟

ابراهیم گفت: "من او را در زمانی که مانند مردگان بودم، یافتم و می‌دانم آنکه او را وقتی چون مردگان بودم به من بخشید، قادر است او را از مرگ برخیزاند. اگر من کلام او را حفظ کنم." حفظ، من کلام او را حفظ می‌کنم. او قادر است تا فرزند مرا از مرگ برخیزاند.<sup>۲۰</sup>

۸۸. این کاملاً از مسیح صحبت می‌کند، اینهاش و از طریق آن سلول خونی، روح القدس پیش آمد، تا خویش را در بدنی که عیسی خوانده شد، مقید نمود. آن خون از طریق ایمان، راهی را تقدیس نمود تا برگزیدگان خدا و نجات یافتگان را بخواند. بعد وقتی پذیرفته باشید، آن وقت روح القدس تمام ضعف‌ها را از شما برداشته، وارد می‌شود. خود خدا. تا اراده‌ی خویش را به عمل بیاورد.

۸۹. در اینجا، جایی که همه در ضعف قرار دارند و فلانی و فلانی در حال انجام

---

<sup>۲۰</sup> اشاره به پیدایش باب ۲۰

چنین و چنان است و دیگری برضد آن صحبت می کند. اما کسی که با روح القدس پر شده، در برابر آن قرار خواهد گرفت. آمین!

۹۰. توجه‌ها به آن جلب شد. آنها مردم عادی و فاقد تحصیلات بودند. ولی دیده شد که آنها با عیسی بودند. این چیزی است که روح القدس بخاطرش آمد.

۹۱. یک ماهیگیر که حتی قادر نبود اسم خود را بنویسد. ولی او آنجا ایستاد و گفت: "ما باید به که ایمان داشته باشیم؟ خدا یا انسان؟" آمین! [برادر برانهام یک بار دست‌هایش را برهم می‌زند.] پس بر شما معلوم باد که ما همچنان در نام عیسی موعظه می‌کنیم. آه چه شهادتی! او می‌دانست که منزلی در آن فراسو دارد. درست است او در اینجا یک بیگانه و یک مسافر بود. او در انتظار شهری بود که می‌آید.

آن کاهن ریاکار برای او چه معنایی داشت؟ او تحت تسلط و اقتدار خدای آسمان بود که فرزند خویش را برخیزانید، مسیح عیسی. و او را از روح خدایی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، پر نمود. بفرمایید. او از آن کاهن نمی‌ترسید. نه آقا! مرگ ...

۹۲. وقتی آنها استیفان را در آنجا بلند کردند، گفتند: "حرفت را پس بگیر." ۲۱

او گفت: "شما که در قلب و گوش خود نا مختون هستید، همیشه در برابر روح القدس مقاومت می‌کنید. چنان‌که پدران‌تان کردند، شما می‌کنید!"

آنها گفتند: "تو را خواهیم کشت."

او گفت: "نمی‌توانید این کار را بکنید. اگر..."

---

۲۱ اشاره به اعمال رسولان باب ۶ و ۷



"نشانت خواهيم داد كه مي توانيم يا نه." و سنگ‌هاي بزرگ جمع آوري كردند و شروع نمودند به سنگسار نمودن او...

۹۳. او به بالا نگاه كرد و گفت: "اينك آسمان را گشاده مي بينم. پلكاني را مي بينم كه پايين مي آيد. عيسي را مي بينم كه به دست راست جلال خویش ايستاده است." و كتاب مقدس نمی گوید كه او مرد. او به خواب رفت. اوه خدای من! مي توانم ببينم كه يك فرشته پايين آمد و او را در آغوش گرفت. درست مانند يك كودك، يك مادر، تا او بخواب فرو رفت. اوه خدای من! مطمئناً.

۹۴. اين هدف روح القدس است و اين چيزی است كه روح القدس بخاطرش فرستاده شد. روح القدس می آید تا به شما قوت ببخشد. چند بخش ديگر از كلام را اينجا دارم. روح القدس می آید تا به شما قوت ببخشد... من... نمی توانيد پيدایش كنيد، امشب خیلی پيوسته حرف زدم...

می آید تا به شما قوت ببخشد، قوت در دعا.

۹۵. خانمی را می بينيد كه زندگي خوبی دارد. ولی همیشه مغلوب است. "اوه! بگذار بگويم كه... " يك فرد خوب... "اوه! حتماً برادر برانهام! من خداوند را دوست دارم." همیشه مغلوب، هرگز حتی پاسخ يك دعا را هم نمی گیرند.

حال اگر همان فرد يك بار به روح القدس پر شود، ببينيد كه چه اتفاقي می افتد. وقتی به حضور خدا می رود، ديگر مغلوب نيست. او با دليري به تخت خدا نزديك می شود، با ايمان. او يك حقی دارد. زیرا از طريق يك تولد تازه او دختر خداست.

مردی را در نظر بگيريد كه ترسو است و هر روز رئيسش او را تحقير می كند.

می گوید: "یک دقیقه دقیقه صبر کن. یک چیزی تغییر کرده است." می بینید؟ او روح القدس را یافته است. او به شما قوت می دهد. زندگی شما پر از قوت است.

او به شما قدرت سخن گفتن می دهد.

۹۶. چرا که، اگر آن افراد می ترسیدند که آنجا بمانند؛ پطرس، یعقوب، یوحنا، لوقا و تمام آنها. اگر آنها به اطاق بالاخانه رفته بودند و می گفتند: "اوه! دیگر نمی توانیم. ربی فلان و فلانی آنجاست. دکتر فلان و فلانی آنجاست. می دانی، او چهار مدرک دانشگاهی دارد. چطور می خواهیم در برابر آنها مقاومت کنیم؟" پطرس گفت: "اوه! یادم می آید که یک روز به آن مرد ماهی می فروختم. او صحبت می کرد و من حتی نمی دانستم در مورد چه صحبت می کند. اوه! هرگز نمی توانستم در برابر او مقاومت کنم. ولی برادران اکنون چه کاری می توانیم بکنیم؟"

او گفت: "صبر کنید."

"ولی ما چهار روز اینجا بوده ایم."

"فقط صبر کنید."

"چه مدت؟"

"تا وقتی که..."

"خوب او گفت که این در روز پنجم خواهد بود؟"

"او هرگز نگفت چه مدت؟ او گفت: «تا وقتی که...»" پس آنها منتظر ماندند. "چه

مدت؟"

"تا وقتی که..."

"هشت روز گذشت."

"تا وقتی که..."

"نه روز گذشت."

"تا وقتی که..."

"و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند."

۹۷. خدا در یک ابر آتشین فوق از ایشان بود. خدا با ایشان روی زمین راه رفته بود. حال، چیز جدیدی می خواهد رخ دهد. چیزی در حال وقوع است.

"<sup>۱</sup> و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند. <sup>۲</sup> که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت. <sup>۳</sup> و زبانه های منقسم شده، مثل زبانه های آتش به ایشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت." <sup>۲۲</sup>

می دانید منقسم یعنی چه؟ «تکه تکه». مثل لکنت. تا بحال کسانی را که لکنت زبان دارند، دیده اید؟ آ، آ، ... [برادر برانهام مثل کسی که لکنت زبان دارد، صحبت می کند.] می بینید؟ آنها هیچ نمی توانند بگویند. «زبانه های منقسم شده» یعنی چیزی که تکه تکه و بخش بخش است. آنها در حال صحبت کردن نبودند. در حال هیچ کاری نبودند، جز اینکه صدایی ایجاد می کردند.

---

<sup>۲۲</sup> اعمال رسولان باب ۱

زبان‌های منقسم شده، چنان که در آتش بود بر ایشان قرار گرفت. (اوه! آنها نمی‌توانستند خود را کنترل کنند.) و تمام ایشان از روح القدس پر شده بودند.

۹۸. بعد چه اتفاقی افتاد؟ آنها به خیابان‌ها رفتند. "ربّی جونز کجاست؟ آن مرد کجاست؟ آن غول خردمندی کجاست؟"

خدا بالا سر ما بود، با موسی در بوت‌های آتش، او از بالا ما را به من خوراک داد. او سه سال با ما راه رفت یا سه سال و نیم. ولی او اکنون در من است. این من نیستم که حرف می‌زنم، بلکه اوست. من می‌دانم که او کیست. او می‌داند که من هستم. دیگر من نیستم. بلکه اوست.

ای مردان اسرائیلی و شما که در یهودا ساکن هستید! بر شما معلوم باد و کلام مرا گوش فراگیرید. تمام شما ربّی‌ها و واعظین... قوت سخن گفتن من. اوه!

"اینها مست نیستند." او به نمایندگی از آن اقلیت صد و بیست نفر در برابر آن هزاران نفر ایستاده است.

قوت تکلم. "اینها مست نیستند." آن اقلیت کوچک صد و بیست نفره در برابر بیش از هزار نفر ایستاده‌اند.

"اینها مست نیستند چنان که شما گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است." من یک واعظ انجیل تام هستم. "بلکه این چیزی است که به زبان یوئیل نبی گفته شد، بعد از آن روح خود را بر تمام بشر خواهم ریخت و..." مریم را آن بیرون می‌بینید که در روح می‌رقصد، به زبان‌ها صحبت می‌کند و این کارها را انجام می‌دهد.

"بر تمام بشر خواهم ریخت، بر غلامان و کنیزان نیز از روح خود خواهم ریخت."

[برادر برانهام یک بار کف می زند.] "نشانه‌های حیرت انگیزی از خون، آتش و ستون‌های دود، در آسمان و زمین ظاهر خواهم کرد." می‌بینید؟ خدا در قوم خویش بود. آمین!

"خوب حالا، چه مدرکی داشتید؟ چه؟ کدام؟ از کدام دانشگاه آمده‌اید؟"

۹۹. "الآن این هیچ فرقی نمی‌کند." او! او شروع کرد به ریختن کلام.

داود او را از پیش دیده بود... "خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد. از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید؛ جسدم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد. زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببند." <sup>۲۳</sup>

داود پاتریارخ هم مرد و هم دفن شد و گور او امروز با ماست. ولی با یک نبوت. او آمدن آن یگانه را از پیش دید.

و بر شما معلوم باد که خدا، همان عیسی که شما او را بدست گناهکاران به صلیب کشیده و کشتید، خداوند و مسیح گردانید. آمین!

۱۰۰. ای برادران! حال چه کنیم تا نجات یابیم؟

او گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند. یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند." آمین!

۱۰۱. مادامی که خدا قومی دارد، مادامی که کلیسایی دارد، روح القدس در آن کار می‌کند. این چیزی است که روح القدس بخاطرش داده شده. اندیشمندان بلند می‌شوند. همیشه بلند می‌شوند. ولی خدا یک اقلیتی در یک جایی دارد. خدا کلیسای کوچکی دارد که با تعمید روح القدس به حرکت ادامه خواهد داد تا در نور باشد. و آنان کسانی خواهند بود که با شهادت خویش دنیا را داوری خواهند نمود.

آیا کتاب مقدس از زبان عیسی نگفته است که: "خوشبحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید." و در دیگری می‌گوید: "مقدسین، دنیا را داوری خواهند نمود." [جماعت می‌گویند: "آمین!" قطعاً.]

امروز شهادت شما بر علیه این شهر، داوری بر پا خواهد نمود. شهادت ما از تعمید روح القدس و قوت خدا، یک زندگی مقدس، بر علیه این شهر داوری خواهد نمود. وقتی...

۱۰۲. سپس آنان که اولین بودند آخرین خواهند بود و آنانی که آخرین بودند، اولین خواهند بود.<sup>۲۴</sup> من چیزی در مورد مودی و سنکی در قیامشان نمی‌دانم.<sup>۲۵</sup> آنها نیز چیزی درباره‌ی من نخواهند دانست. ولی من در این مورد خواهم ایستاد تا شهادت بدهم. شما هم همین‌طور.

آنها از این طریق، با پراکنده شدن نور شما و تعمید روح القدس، با نوع حیاتی که در آن زیست می‌کنید و با اعمالی که خدا انجام داده تا اثبات کند که اینجا در حال حرکت است و با آن روشنفکرانی که از این فاصله گرفتند، توسط مقدسین داوری

---

<sup>۲۴</sup> اشاره به انجیل متی باب ۱۹ و ۲۰، انجیل مرقس باب ۱۰ و انجیل لوقا باب ۱۳  
<sup>۲۵</sup> Sankey, Moody منظور افرادی با هر اسمی

خواهند شد. آنها اکنون داوری شده‌اند. آنها اکنون از آن عبور نموده‌اند.

۱۰۳. اوه خدای من! من از قدرت دعا، قدرت کلام، قوت یک حیات پاک و مقدس صحبت می‌کنم. این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد.

۱۰۴. بعضی از شما مدام می‌گویید: "نمی‌توانم نوشیدن مشروب را ترک کنم. نمی‌توانم آن را کنار بگذارم."

روح القدس می‌آید و در شما ساکن می‌شود تا تمام اینها را انجام دهد. «نمی‌توانم‌ها» را از شما دور می‌کند. درست است. باعث می‌شود تا زنان، موهای خود را کوتاه نکنند. از پوشیدن لباس‌های کوتاه دست بکشند. بدون بهانه. باعث می‌شود که آنها از غیبت دست بردارند. اوه بله! این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. زندگی شما را پاک و مقدس می‌سازد و همیشه مطابق تعلیم کتاب مقدس عمل می‌کند.

۱۰۵. زنان می‌گویند: "هوا خیلی گرم است، من باید این گونه لباس بپوشم. اگر موهایم را بلند کنم، سردرد می‌گیرم."

ولی اینها برای روح القدس هیچ توجیهی وجود ندارد. روح القدس اینجاست تا این کار را انجام دهد. زیرا دقیقاً کلام را جاری می‌سازد. این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. یعنی باعث می‌شود که شما روی خود را از آن زنان نیمه برهنه برگردانید و دست از نگاه شهوت انگیز به آنها بردارید. بله اعضای کلیسا! این کاری است که انجام می‌دهد.

۱۰۶. این برای آن است که شما از سیگار کشیدن، نوشیدن مشروب و... اینکه بخواهید فرد بزرگی باشید، دست بکشید. این است که تمام این چیزها را از شما بیرون

می‌کشد. باعث می‌شود که شما فروتن باشید. این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. تا دست از غیبت کردن بکشید. دست از قمار، ورق بازی و تمام این قبیل کارها که در اطرافتان شاهد آن هستید، بردارید.

باعث می‌شود از چیزهایی که باعث می‌شود نسبت به همسرتان نادرست باشید، دست بکشید. این کاری است که انجام می‌دهد. درست است. باعث می‌شود با همسر کسی دیگر ازدواج نکنید. کاملاً درست است.

این چیزی است که هست. باعث می‌شود یک زندگی مقدس داشته باشید. این همان قوت روح القدس است، که باعث می‌شود تأثیرپذیری شما از آسمان باشد. یعنی جایی که خدا... فکر مسیح در شما باشد. شما نمی‌توانید دیدن این قبیل چیزها را متوقف کنید. نمی‌توانید وقتی آن را می‌بینید، روی خود را برگردانید. درست است. این برای آن است که...

۱۰۷. می‌گویید: "نمی‌توانم. اوه! نمی‌توانم این کار را انجام دهم." قطعاً نمی‌توانید.

ولی روح القدس برای این کار می‌آید. این کاری است که انجام داد. آمد تا تمام این چیزها را از وجود شما خارج کند. تمام آن رفتارها و عادات قدیمی که انجام می‌دهید.

آن طعنه‌های قدیمی، دور شدن‌ها با گفتن اینکه: "جلال بر خدا! من یک متدیست هستم. هیچ کاری با آن دین خروشان ندارم." روح القدس می‌آید تا این را از وجود شما خارج کند.

۱۰۸. "من یک باپتیست هستم." "من پرزبیتی هستم. نمی‌توانم به سراغ آن دین



خروشان عقب افتاده بروم." روح القدس می آید تا تمام این چیزها را از شما بیرون بکشد. این چیزی است که هست. یعنی شما را به خون می شوید. این کاری است که به خاطرش می آید.

می آید تا شما را قوت ببخشد. او گفت: "افتادگان را قوت بخشید." این چیزی است که بخاطرش می آید، تا افتادگان را بلند کند و با کوهها کاری کند که گویی مانند گله‌ی گوسفندان در حال رقص هستند و تمام برگها در حال دست زدن. [برادر برانهام شروع به دست زدن می کند.] پرندگان برای شما نغمه‌های مختلف سر می دهند. این کاری است که برای انجام آن آمده است. این هدف خدا از فرستادن روح القدس است، تا بتوانید این کارها را انجام دهید. تا بتوانید به دنبال او گام بردارید.

۱۰۹. قصد ناراحت کردن شما را ندارم. بلکه به شما گفته‌ام. با تمام قلبم و صادقانه با شما صحبت می کنم تا شما در تنگنا قرار نگیرید. هر از چند گاهی از یک خط عبور می کنم، ولی با حقیقت می مانم. ولی ماندن با حقیقت و عمل به آن، شما را خیلی در تنگنا قرار نخواهد داد.

۱۱۰. اما می خواهم چیزی به شما بگویم. اگر کتاب مقدس می گوید که زن نباید موی سر خود را کوتاه کند و شما می گوید که روح القدس را یافته‌اید و باز موی خود را کوتاه می کنید، شک دارم که آن را یافته باشید. عصبانی نشوید. اگر هنوز چنین است، نشان دهنده‌ی این است که کماکان یک نشانه‌ی غلط در شما وجود دارد.

۱۱۱. اگر کتاب مقدس می گوید زن نباید لباسی را بپوشد که متعلق به مرد است و شما لباس‌های مردانه را در خیابان‌ها می پوشید... شما خانم‌های بالغ! ولی نگاه کنید، وقتی شما زنان بالغ... پانزده، شانزده، هجده ساله و حتی مادر بزرگ‌ها این کار را

می‌کنید... کتاب مقدس می‌گوید در نظر خدا این رجاست که یک زن این چیزها را بپوشد و شما باز آنها را می‌پوشید. بعد می‌گویید روح القدس را یافته‌اید؟ بعضی اوقات در شگفت می‌شوم. روح القدس کلمه به کلمه کلام خدا را دنبال خواهد کرد. و یک واعظ پشت منبر که به اندازه‌ی کافی فیض نیافته تا آن را موعظه کند، شک دارم که آن را یافته باشد. خوب، روح القدس برای همین است.

۱۱۲. این برای تدهین واعظ است. برای تقدس دادن به گروه است. برای قرار دادن کلیسا در مسیر، برای آوردن اتحاد در روح است. برای آن است که ما را با قدرت متحد سازد. برای آن است که در محبت ما را متحد سازد، محبت برادرانه.

اگر همه به یک روح القدس در یک بدن تعمید یافته باشیم و اعضای بدن عیسی مسیح شده باشیم... اهمیتی نمی‌دهم که شما متدیست، باپتیست، پرزبیتری، لوتری یا هر چیز دیگری باشید. نه چیزهای حال، نه چیزهای آینده، نه گرسنگی و نه سختی نمی‌تواند ما را از محبت خدا، از محبت مسیح، محبتی که خدا در مسیح به ما دارد، جدا سازد. زیرا ما به روح او مولود و در خون او شسته شده‌ایم. ما یک خلقت تازه هستیم. این کاری است که خدا آمد تا انجام دهد. این چیزی است که روح القدس بخاطرش فرستاده شد. بله آقا!

۱۱۳. حال، به من نگاه کنید. دست‌های بسیاری بالا رفت که شما روح القدس را داشته‌اید. می‌بینید؟ بله، حتماً همین‌طور است. من، من چند لحظه‌ی دیگر از وقت شما را خواهم گرفت. این ضبط می‌شود. ولی فردا شب می‌خواهیم بیشتر به آن پردازیم.

اگر بگویید که آن را یافته‌اید و در آن گناهکار باشید، می‌خواهم بدانم که چه چیزی شما را هدایت می‌کند. خدا هرگز شما را به خارج از کلام هدایت نمی‌کند. او

شما را با کلام نگاه می‌دارد. زیرا این قانون خود خدا برای کلیسای او، قوم او، برای زنان و برای مردان است.

۱۱۴. خوب، شما می‌گویید: "انجام این کار یا آن کار به من ضرری نمی‌رساند." نمی‌رساند؟ کلام خدا می‌گوید که ضرر می‌رساند.

و اگر روح القدس در شماست، شما را دقیقاً به کلام هدایت می‌کند. هیچ بهانه و توجیهی نخواهد بود و خدا توجیه و بهانه برای شما مهیا نمی‌سازد. او هدف و نشانه را مهیا می‌سازد و شما در آن گام برمی‌دارید. همین و بس. این چیزی است که برای همه صادق است. شما وارد همان راه می‌شوید.

۱۱۵. پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرد و عطای روح القدس را خواهید یافت." می‌بینید؟ همین است. ما باید به آن برسیم.

۱۱۶. قصد آزردن شما را ندارم. شما را بسیار دوست دارم. ولی برادر! خواهر! آیا متوجه هستید که در ایام آخر و در رستاخیز باید با این نسل از مردم بایستم و برای این کلام داوری شوم؟ روح القدس این را نشان می‌دهد و من آن را موعظه می‌کنم. کجا می‌خواهید بایستید؟ چطور می‌خواهید از آن جلوگیری کنید؟ نمی‌توانید دوستان. حال... دست از آن بردارید. هر کاری که انجام می‌دهید، از آن دست بکشید.

می‌گویید: "نمی‌توانم."

پس شما هنوز «می‌توانم» را در خویش نیافته‌اید. وقتی روح القدس می‌آید، به شما در برابر دنیا قوت می‌دهد و اگر شما... گوش کنید که او چه گفت: "اگر دنیا و چیزهای دنیا

را دوست داشته باشید، به دلیل این است که محبت خدا در شما نیست." <sup>۲۶</sup> حال، هیچ بهانه‌ای وجود ندارد. او این را هموار می‌سازد و ما باید با آن نشان پیش رویم.

۱۱۷. می‌دانم که فکر می‌کنید حرف‌های من ناخوشایند است. می‌بینید؟ گوش کنید. درست است. حال، خواهر! برادر! با آن پیش بیایید.

۱۱۸. اجازه ندهید که این مدارس و مراکز روشنفکرانه به شما بگویند که اینها سنت‌های قدیمی و از مد افتاده است.

اگر اینها چیزهای از مد افتاده است، پس خدا هم از مد افتاده است. و اگر خدا از مد افتاده است، من هم هستم. آمین! من می‌خواهم مانند او باشم. چرا؟ روح او در من گرسنه و تشنه است و هر چیز متضاد با کلام را...

۱۱۹. اگر مردم بگویند: "اوه، این ایرادی ندارد که کسی برای تفریح ورق بازی کند و یا یکی دو سکه قمار کند." اشکالی ندارد؟ خدا چنین نمی‌گوید.

۱۲۰. "اوه! فقط هر از چند گاهی مشروب بنوشیم و کمی سرخوش بشویم."

ولی خدا می‌گوید: "وای بر او."

۱۲۱. اوه! شما می‌گویید: "اشکالی ندارد برادر برانهام! من، من فقط به یک دلیل موهایم را کوتاه می‌کنم، چون همه‌ی زنان این کار را می‌کنند." برایم مهم نیست که سایر زنان چه کاری را انجام می‌دهند. آنها الگو یا رئیس شما نیستند. اگر شما روح القدس را در خود یافته باشید، صرف نظر از اینکه دیگران چه می‌گویند و یا چه

می کنند، تنها او را پیروی می کنید.

۱۲۲. "خوب، برادر برانهام! هوا خیلی گرم است و من مجبورم که این لباس های چنین و چنان را بپوشم." بگذارید این را به شما بگویم. خواهر عزیز! جهنم از آن هم گرم تر است، این کار را نکنید، این را یادتان باشد.

۱۲۳. روح القدس همیشه شما را به سمت حقیقت هدایت می کند. و حقیقت او کلام است. "کلام من راستی است. هر کلام انسان دروغ و هر کلام من راست است."

و فکرش را بکنید، یک رجاست. می توانید این را تصور کنید؟

۱۲۴. گفتن این چیزها برای یک خادم سخت است. ولی گاهی که به این دستشویی ها وارد می شوم، جایی که... باید از همان جا برگردی. این درست... نشانه های کثیف روی دیوار. فکر می کنم: "چطور ممکن است که مردم این قدر زشت رفتار باشند؟" و تعفن... گاهی اوقات وقتی به این مکان ها قدم می گذارم، فکر می کنم، عجب تعفنی! باید این گونه بینی خود را بگیرم تا بتوانم دست خود را بشویم. می ترسم اگر دستگیره ی در را بگیرم، دستم دوباره آلوده شود.

۱۲۵. یک روز که در فرودگاه یا راه آهن بودم، به یکی از همین اماکن وارد شدم. گفتم: "اوه! خدای من..."

۱۲۶. و چیزی به من گفت: "جهان نیز همین گونه در نظر خداوند متعفن گشته است." این یک رجاست است.

۱۲۷. و فکر کردم وقتی زنی را می بینم که این گونه در خیابان ها قدم می زند و لباس های مردانه می پوشد، این همان حالتی است که او در نظر خدا می آید. این یک

رجاست است. این کثیف است و در نظر خدا متعفن گشته است، حتی اگر یکشنبه‌ها به کلیسا برود.

مردی که می‌رود مشروب می‌نوشد، خیانت می‌کند، عاشق پول است، به همسایه‌اش خیانت می‌کند و دست به هر کاری می‌زند تا پول بیشتری در بیاورد و بعد به کلیسا می‌رود و شهادت می‌دهد. رجاست، کثیفی، این کلیسای روشنفکرانه است.

۱۲۸. می‌گوید: "خوب، من عضو کلیسا هستم." بله، و باید به کلیسا تنفس بدهید، پانزده دقیقه، تا تمام شماسان و سایرین، حتی شبان هم سیگار بکشند تا دوباره بتوانید برگردید و کلیسا را ادامه بدهید. به من بگویید. خودتان را از هر چیز ناپاک جدا سازید.

۱۲۹. "اگر کسی هیکل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد." <sup>۲۷</sup> خدا گفته است که این کار را خواهد نمود. و امروز... بیش از نود درصد مرگ و میر از سرطان ریه، بخاطر مصرف سیگار است. اگر بدن خود را آلوده سازید، آن را نابود خواهم ساخت. ولی آنها بسیار دیو صفت هستند، این‌گونه رفتار می‌کنند و این را نمی‌دانند.

واعظی را می‌بینید که با چهار مدرک دانشگاهی پشت منبر ایستاده، درحالی‌که خودش سیگار می‌کشد. برادر! بگذار یک چیز را به شما بگویم. روح القدس فرستاده شد تا مرد و زن را به خروج از این چیزها فرا بخواند. خودتان را جدا سازید.

عبارت «کلیسا» یعنی «جدا شده»، از میان آنها خارج شوید. کتاب مقدس می‌گوید: "چیز ناپاک را لمس نکنید، تا من شما را مقبول بدارم و شما را پدر خواهم بود و شما

مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر مطلق می گوید. " <sup>۲۸</sup> اوه خدای من! این نیست که فقط بگوییم. بلکه منظور من این است که صادق و راستگو باشیم. بله آقا! چه چیز هولناکی!

۱۳۰. خانم‌ها و آقایان! امروز ما کجا ایستاده‌ایم؟ کجا هستیم؟ باز ایستیم.

۱۳۱. یک شب بعد از سه یا چهار روز دعا کردن روی یکی از صندلی‌های قدیمی نشسته بودم. (باید مطلب را به انتها برسانم.) بعد از سه یا چهار روز دعا کردن به جایی رسیدم که فکر می‌کردم. اوه، خدای من! و به جایی رسیدم که دیگر نمی‌دانستم باید چه کاری انجام دهم. با خود گفتم: "خداوندا! در پایان راه هستیم و می‌دانم که من سهل‌انگاری کرده‌ام. تماس‌هایی داشتم که بروم، بخاطر خسته بودن، انجامش ندادم. می‌توانم حدس بزنم که خداوند من هم در آن زمان از نظر جسمی خسته بود. به حدی که نمی‌توانست قدم از قدم بردارد. ولی زمانی که دید آن یگانه پسر پیر زن نائینی را برای دفن کردن می‌برند، ایستاد تا با اندک قوتی که در او بود، آن پسر را از مرگ برخیزاند. خوب، من چقدر خسته شدم؟ خداوندا! مشکل من چیست؟" بعد فکر کردم: "من دیگر پیر شده‌ام. نمی‌توانم این کار را انجام دهم."

۱۳۲. موسی هم خسته بود. "همان خدایی که من او را خدمت می‌کنم." <sup>۲۹</sup> او یکصد و بیست سال سن داشت.

کالیب هم بود. در سن نود سالگی با شمشیری ایستاد و گفت: "یوشع چهل سال پیش این شمشیر را در دست من گذاشت." او در آن زمان هشتاد سال داشت و گفت:

<sup>۲۸</sup> دوم قرن‌تیاں ۶: ۱۷-۱۸  
<sup>۲۹</sup> اشاره به اعمال رسولان ۲۷: ۲۳

"اکنون به همان قوتی هستم که در آن زمان بودم." آمین!

گفتم: "خداوندا! بر من ترحم فرما."

۱۳۳. گفتم: "اینجا را ببین. من همیشه... همسرم را درحالی که کتاب مقدس در یک دستم بود در آغوش کشیدم و گفتم: "عزیزم! من خیلی منفی‌نگر بوده‌ام. روح القدس در درون من، مرا ملزم ساخته است." گفتم: "به آن سنجاب‌ها فکر می‌کنم. به هتی رایت<sup>۳۰</sup> و آن پسرها فکر می‌کنم. به آنچه که خداوند انجام داد، فکر می‌کنم؛ که نشان می‌داد او خدای خالق است." هلولویاه!

فکر کردم: "سال‌ها پیش او به من گفته بود که هرگز تو را ترک نخواهم کرد. هیچ انسانی نمی‌تواند در تمام ایام عمرت در برابر تو بایستد. من با تو خواهم بود و از این طریق عطای تشخیص به تو داده خواهد شد که اسرار قلب‌ها را بدانی و بعد از آن، این بزرگ‌تر و بزرگ‌تر خواهد شد. یک‌سال بعد از آن، به طریقی عالی این را به تمام دنیا اثبات کرد."

گفتم: "عزیزم! به فیض خدا دست تو را می‌گیرم. هرگز اجازه نده که دوباره منفی‌نگر باشم. در این بیداری پیش روم و چنان موعظه کنم که قبلاً هرگز انجام نداده‌ام. تا ابتدا خود را تقدیس کنم و راهی برای قوم مهیا سازم. تا ابتدا گناهان من، سهل‌انگاری‌های من زیر پوشش خون مسیح باشد. کوتاه آمدن‌های خودم زیر پوشش خون باشد. تا بتوانم بیایم و بگویم، ای قوم، به دنبال من بیایید."

متنفرم از اینکه کسی بگوید این کار را بکن. دوست دارم کسی را ببینم که برای



انجام آن، راه را نشان می دهد. بله آقا!

۱۳۴. مدتی پیش در شهر یک آتش سوزی داشتیم. کمپانی فا اویل<sup>۳۱</sup> طعمه‌ی حریق شده بود و یکی از دوستان ما، یک مرد خوب که هرگز با چنین حجمی از آتش مواجه نشده بود، می گفت: "بچه‌ها! یک مقدار آب اینجا بپاشید. یک مقدار آنجا بپاشید."

یک ماشین آتش نشانی با آن صدای دینگ، دینگ، دینگ آمد آنجا. مسئول آتش نشانان رفت و گفت: "مقداری آب بپاشید اینجا، این پنجره را بشکنید و مقداری آب هم بپاشید آنجا."

۱۳۵. ولی یک آتش نشان ماهر و آزموده از آن سوی رودخانه، از لویزویل آمد و بالای نردبان رفت. وقتی نردبان بالا رفت، او نوک آن نردبان ایستاده بود. قبل از اینکه به آنجا برسد، تبر خود را برداشت، پنجره را شکست و گفت: "بچه‌ها! بیاید." همین است و آتش ظرف چند دقیقه مهار شد.

نه اینکه مقداری آب اینجا بپاش، مقداری بپاش آنجا. این بعضی از این واعظین روشنفکر را به یاد شما می آورد.

۱۳۶. همراه شوید، ادامه می دهیم. می دانم که این حقیقت است. من چشیده‌ام و دیده‌ام. روح القدس درست است. خدا نیکو است. اینجا و آنجا را امتحان نکنید. به سمت او حرکت کنیم و او اینجا است. از آن شماست. خدا تمامی قوت خود را بر کلیسای خویش داده است. نه اینکه مقداری اینجا بپاشید و مقداری آنجا. این گونه به

هیچ چیز نخواهید رسید. آمین!

به روش آنها حتی دیگر نمی‌توان دید. [برادر برانهام عینک مطالعه‌اش را از چشمش برمی‌دارد.]

۱۳۷. می‌خواهیم چه کاری انجام دهیم؟ هر فردی که اینجاست، با چیزی پر شده است.

می‌خواهم مطلب را تمام کنم. شاید بعد از این، تمام کنیم.

شما با چیزی پر شده‌اید. نمی‌توانید آنجا بنشینید بدون اینکه از چیزی پر شده باشید. شما در خود حیاتی یافته‌اید. این حیات بر شما حکمرانی می‌کند و از طریق یک روح بر آن حیات حکمرانی می‌شود.

حال، ممکن است شما از دنیا پر شده باشید. محبت دنیا و چیزهای دنیایی در شما باشد. خدا به شما رحم کند.

ممکن است با اعتقادنامه‌های یک کلیسا پر شده باشید. دعاهایی که انجام می‌دهید و فکر می‌کنید که قرار است با نشانه‌ای از طریق شما برای مرده‌ای دعا شود. خدا به شما رحم کند.

۱۳۸. ممکن است با مذهب پر شده باشید، و این بدترین چیز است. درست است، کتاب مقدس می‌گوید: "در ایام آخر کسانی خواهند بود که صورت دینداری دارند، لیکن قوت آن را انکار می‌کنند، از ایشان اعراض نما."<sup>۳۲</sup>

اگر شما از مذهب پر شده‌اید. بدبخت هستید. فقط مذهب، همین و بس. اگر شما پر از آیین و اعتقادنامه هستید، نمی‌دانید که از چه صحبت می‌کنید. اگر از دنیا پر شده‌اید، پس کور هستید.

۱۳۹. و ممکن است که از روح القدس پر باشید. آمین! امیدوارم که باشید. اگر نیستید، امیدوارم که پر شوید. و اگر پر از روح القدس هستید، به چه رسیده‌اید؟ به قوت رسیده‌اید. به محبت رسیده‌اید. به آرامی رسیده‌اید. "آرامی به شما می‌دهم، نه آرامی که جهان به شما می‌بخشد." <sup>۳۳</sup> اگر به آرامی رسیده‌اید، مَهر شده‌اید. شما یک نشانه یافته‌اید. آمین! شما به یک شادی وصف ناشدنی و پر از جلال دست یافته‌اید. شما بسته شده‌اید. اوه خدای من! این چیزی است که با روح القدس به آن می‌رسید. شما... اگر به روح القدس پر شده باشید از موت به حیات منتقل گشته‌اید و منتظر رستاخیز در ایام آخر هستید.

۱۴۰. در جهان آینده، به واسطه‌ی خداوندان عیسی مسیح و آنکه آمدن او را در جلال و عظمت دیده... و دریا مردگان خود را تسلیم خواهد نمود. بدن فاسد شده‌ی آنانی که در او خوابیده‌اند...

چگونه در او وارد می‌شوید؟ به یک روح همه در یک بدن تعمید یافته‌ایم.

بدن فاسد شده‌ی کسانی که در او خوابیده‌اند، به یک چشم بر هم زدن به شباهت بدن جلال یافته‌ی او تبدیل می‌شود، که بوسیله‌ی آن قادر است تمام چیزها را مطیع خود سازد.

این را یوحنا گفت: "صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: «بنویس خوشبحال

آنان که در خداوند مرده‌اند.»<sup>۳۴</sup> چگونه می‌خواهید داخل شوید؟ " زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم." [برادر برانهام یک‌بار کف می‌زند.] " زیرا که از این پس از رنج خویش آرامی یافتند و اعمال آنها به دنبال ایشان است."

این چیزی است که روح القدس بخاطرش فرستاده شد. اوه! یک اطمینان متبارک شده، عیسی از آن من است. "من در او هستم و او در من، پدر در او و او در پدر، و پدر در من و من در او."

عیسی از آن من است

اوه! چه شکوهی از جلال الهی

من وارث نجاتم، خریده شده‌ی خدا

مولود روح او، شسته به خون او

آمین! نمی‌توانم این را معاوضه کنم. اوه خدای من!...

تمام الماس‌ها، مرواریدها و طلا و نقره‌های جهان

خزاین او لبریز است، او ثروتی ناگفتنی دارد

زیرا من یک فرزند پادشاهم، من فرزند پادشاهم

با عیسی منجی من، مرا فرزند پادشاه می‌سازد

۱۴۱. آمین و آمین! این را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. این را عوض نمی‌کنم. من

دو یا سه بخش دیگر...

این هم یک بخش دیگر از کلام. وقتی شما از روح پر هستید، این چیزی است

---

<sup>۳۴</sup> اول قرن‌تینان ۱۲:۱۳

که شما دارید. آن وقت برای دنیا چه هستید؟ یک بیگانه. می دانم که دیر است، ولی برای این هر گز خیلی دیر نیست. [برادر برانهام یک بار کف می زند.] یک بیگانه، اوه!

ما اینجا غریب و مسافریم  
منتظر شهری که می آید، هستیم  
قایق نجات می آید  
تا جواهرات خویش را در منزل جمع کند

۱۴۲. هنوز هم می توانم صدای ریزش آب در رودخانه‌ی اوهایو<sup>۳۵</sup> را به خاطر بیاورم. زمانی که یک واعظ جوان بودم، حدود بیست و یک یا بیست و دو ساله، این سرود را آنجا می خواندم. به بالای سر خود نگاه کردم و صدایی شنیدم که گفت: "به بالا نگاه کن." آنجا، آن نور عظیم بالای سر من شکل گرفت که رو به پایین حرکت می کرد و گفت: "چنان که یوحنا تعمید دهنده پیشرو آمدن اولیه‌ی مسیح بود. تو پیغامی خواهی داشت که پیشرو آمدن ثانویه‌ی مسیح خواهد بود."

اوه! چطور می توانستم آن را باور کنم؟ ولی این به همین شکل رخ داد. و امشب شعله‌های بیداری در سرتاسر جهان در حال اشتعال است. کلیسای فدیه شده‌ی خدا، خود را از آن مکان بالا کشیده و جلسات بزرگ شفا، آیات و معجزات، نشان دهنده‌ی این آمدن است.

۱۴۳. شما یک بیگانه و یک غریبه هستید. شما دست به اعمالی عجیب نسبت به آنچه که باید انجام دهید، می زنید. شما چنان که می بایست عمل نمی کنید. ای مردم! وقتی روح القدس بر شما می آید و شما از روح پر می شوید، از اعمال این دنیا صرف نظر

می‌کنید. از چیزهایی که شما را به اسارت در می‌آورد، چشم پوشی می‌کنید. شما از آن چشم پوشی می‌کنید. آن وقت نسبت به آنها مانند آن جوجه اردک زشت، عجیب و غریب رفتار می‌کنید. مانند همان جوجه عقابی که زیر یک مرغ سر از تخم در آورد. همان که من آن را موعظه کردم. «وقتی عقاب آشیانش را می‌تکاند.» شما در نظر آنها موجودی مضحک هستید.

ولی، اوه خدای من! شما قدم در پلکان پادشاه می‌گذارید. آمین! این یک بزرگراه به سمت آسمان است. و من به سمت شاهراه پادشاه گام برمی‌دارم.

می‌گویند: "به آن دین خروش نگاه کنید. آن جوجه اردک زشت. او همان واعظ دین خروش است."

۱۴۴. امروز در لویزیویل یک واعظ مشهور و متدیست به یک نفر می‌گفت: "دوست دارم به برادر بیلی کمک کنم. ولی می‌دانی باید خود را به خطر بیندازم." لازم نیست تا خود را به خاطر من به خطر بیندازید.

او بخاطر من جان خویش را به خطر انداخت. آمین! فقط در شاهراه پادشاه پیش بروید. همین و بس. پر شده از روح او، مولود روح او، شسته به خون او. هلولویاه! با شادی.

۱۴۵. و بعد یک چیز دیگر. چه چیز باعث می‌شود آن کار را انجام دهید؟ شما هنوز یک بشر هستید. ولی چه چیزی باعث می‌شود این کار را انجام دهید؟ بخاطر آنکه روح شما از بالا می‌آید. این خداست که در شماست.

۱۴۶. وقتی به رم رفته بودم، متوجه شدم که همه یک روح رومی دارند. وقتی به یونان رفتم، همه‌ی آنها روح یونانی داشتند. وقتی به انگلیس رفتم، همه‌ی آنها روح

انگلیسی داشتند. وقتی به جایی می‌روید، متوجه می‌شوید که... و شما روح آمریکایی را می‌یابید. این مهیب و ترسناک است.

۱۴۷. وقتی به مقبره‌ی سن آنجلو<sup>۳۶</sup> در رم رفته بودم آنها یک نوشته به این مضمون آنجا زده بودند: "لطفاً خانم‌های آمریکایی به احترام مردگان لباس بر تن کنند." روح آمریکایی.

وقتی از هواپیما خارج می‌شوند، آنها را نگاه کنید. با آن لباس‌های کوتاه که همه به آنها نگاه می‌کنند. و این هم دوشیزه‌ی آمریکا است. این روح آمریکایی است. می‌توانید بگویید که او اهل کجاست. پسر! یک سگ کوچولوی پشمالوی پودل را به دنبال خود می‌کشد. درست است؟ اوه بله! او، او، او آمریکا است. دوشیزه‌ی آمریکا! راه می‌رود و آن‌گونه می‌خرامد. چرا؟ او روح آمریکایی را یافته است. [برادر برانهام شش بار بر روی منبر می‌زند.] ولی عیسی گفت که در آن روز بر علیه آن شهادت خواهد داد. او گفت: "شما از این جهان پایین هستید. من از آسمان هستم."

و اگر شما روح مسیح را در خود یافته‌اید، شما نیز از آسمان هستید. پس شما در اینجا غریب هستید.

۱۴۸. شما ذات و طبیعت جایی را می‌یابید که از آن آمده‌اید. این چیزی است که سعی می‌کنم بگویم. یک رومی می‌آید اینجا و سر خود را می‌تراشد. یک آلمانی به اینجا می‌آید. یک آمریکایی به آنجا می‌رود. چرا؟ شما روح کشوری را که از آن می‌آیید، یافته‌اید.

این چیزی است که ما را نسبت به دنیا متفاوت می سازد. شما از بالا هستید. شما متولد شده هستید. شما، شما شهروند یک پادشاهی و ملکوت دیگر هستید. آیا به این ایمان دارید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] این چیزی است که روح القدس است، تا شما را شهروند ملکوت خدا بسازد.

۱۴۹. پس اگر شما شهروند ملکوت خدا هستید، باعث می شود چگونه عمل کنید؟ همان طور که خدا در ملکوت عمل می کند. حال، خدا در ملکوت خویش چه می کند؟ این یعنی تقدس، عدالت، خلوص فکر و ذهن، قوت و محبت، رفتن به دنبال گمشدگان، شفای بیماران، انجام معجزات، انجام اعمال عظیم. آن وقت از نظر دنیا شما دیوانه بنظر می رسید. آنها می گویند: "آن افراد مغزشان معیوب است." می بینید؟ ولی شما شهروند ملکوت هستید.

۱۵۰. یک بخش دیگر از کلام. اگر می خواهید یادداشت کنید. یوحنا ۱۲:۲۴. بگذارید خیلی سریع این را برای شما بازگو کنم. عیسی گفت:

"آمین آمین به شما می گویم، اگر دانه‌ی گندم که در زمین می افتد نمیرد، تنها ماند، لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد."

حال نگاه کنید. یادتان باشد این برای شما واجب، لازم و ضروری است که روح القدس را بیابید. زیرا اگر نیابید، نمی توانید در رستخیز سهمی داشته باشید. حال نگاه کنید. خدا نمی تواند قوانین خود را نادیده بگیرد. ما این را می دانیم. او قوانین خود را دنبال می کند.

۱۵۱. حال یک دانه‌ی گندم، یا ذرت را در نظر می گیریم، همان طور که عیسی در اینجا گفت. امروز داشتیم آن را می خواندم. البته در کتاب مقدس دانه به ذرت، گندم،



جو، یا هر چیز دیگر اطلاق می‌شود. اینها دانه هستند. ولی وقتی یک دانه‌ی گندم به زمین افکنده می‌شود، همه‌ی ما که اینجا هستیم، دیده‌ایم؛ می‌دانیم که این اتفاق می‌افتد. یک دانه‌ی گندم یا خوشه‌ی گندم می‌تواند کامل به نظر برسد و شما آن را بر زمین می‌افکنید. اگر آن دانه...

اگر آن دانه حیات جاوید در خود داشته باشد، امروز پایین می‌رود و دوباره خود را در یک ساقه پدیدار می‌کند. دوباره رشد می‌کند، رشد می‌کند و... این حیات جاوید است.

اگر آن دانه منشاء حیات را در خود نداشته باشد، مهم نیست که چقدر زیبا به نظر برسد. دیگر هرگز بلند نخواهد شد. او در اعماق زمین فاسد خواهد شد. همین و بس. بخشی از آن، مواد آن، می‌تواند برای بارور ساختن زمین مورد استفاده قرار بگیرد. اما دوباره زندگی نخواهد کرد. مگر اینکه حیات جاوید را در خود یافته باشد. همه این را می‌دانند. قادر به انجام آن نیستند.

۱۵۲. دو انسان را در نظر بگیرید. هر دو می‌توانند دقیقاً به یکدیگر شبیه باشند. یکی از آنها می‌تواند انسان خوبی باشد که کارهای خوب می‌کند و همه چیزش خوب است. اما او هرگز در رستخیز بلند نخواهد شد، مگر حیات ابدی را در خود داشته باشد. او نمی‌تواند این کار را انجام دهد. چون چیزی که برای برخاستن لازم است، در او نیست. چیزی نیست که او را بالا بیاورد. هیچ حیاتی آنجا نیست. پس برادر عزیز! می‌بینید؟ هیچ انسانی به جز اینکه تولد تازه داشته باشد، نمی‌تواند وارد این ملکوت بشود. نمی‌تواند. "آن دانه‌ی گندم که بر زمین می‌افتد می‌میرد و..." او داشت از خودش صحبت می‌کرد. اما او حیات داشت. حیات ابدی و حیاتی به شما داد که همان نوع حیات را داشته باشید.

۱۵۳. حال اگر فقط حیات بشری را یافته باشید، آن قدر که شما را به حرکت در

بیاورد تا با شهوت زندگی کنید. او که در شهوت زیست می کند، هر چند که زنده باشد باز هم مرده است. شما نمی توانید برخیزید... ممکن است محبوب ترین دختر مدرسه یا دانشگاهتان باشید. ممکن است محبوب ترین دختر در جمع خود باشید. ممکن است خوش پوش ترین دختر در کشور باشید و حتی زیباترین باشید. ممکن است برای شوهر خود حکم بت را داشته باشید. ممکن است همه ی این چیزها باشید که بسیار عالی است. ولی خواهر! بجز داشتن روح القدس در خود، که حیات است، در پایان این راه کار شما تمام است.

اهمیت نمی دهم که شما چگونه هستید. اینها چگونه است، یا شما چقدر محبوب یا منفور، چقدر زیبا یا چقدر زشت هستید. اگر حیات ابدی را یافته باشید، تا ابدالاباد زندگی خواهید کرد.

۱۵۴. وقتی که ماه و ستاره ها از بین رفته باشد. زمانی که جهان و کوه ها در هم پوشیده شده باشند و تمام جهان مانند مرد مستی که شب ها به خانه می آید، از نظم و تعادل خود خارج شود. ستارگان دیگر ندرخشند و از آسمان فروبریزند. ماه به خون مبدل شود و خورشید از شرم روی خود را پنهان کند. وقتی آمدن پسر انسان را ببینید. شما در عدالت عیسی مسیح خواهید درخشید و مانند روزگار جوانی خود از قبر بیرون می آید. یک زن زیبا که همسر خود را برگیرد و تا ابدالاباد زندگی کند و در تمام اعصار ابدی حیات داشته باشید. این چیزی است که روح القدس بخاطرش فرستاده شد.

اگر کمترین کشتی احساس می کنید، آن را رد نکنید.

۱۵۵. روح القدس چیست؟ خدا در شما. برای چیست؟ برای ادامه ی کار او در میان قوم او، تا کلیسای او را جمع کند. تا کلیسا را در این دوران به جایی برساند. جلوتر و فراتر

از لوتری، متدیست، پنطیکاست و آوردن به جایی که به فرزند خواندگی و فیض ر بوده شدن برسد. این بخش از کلیسا، وقتی روح در بین این کلیسا حرکت می کند، خواهد برخاست. و تمام فدیة شدگانی که این روح را لمس نموده اند، پیش خواهد آورد.

تمام آن لوتری ها که با آن نور عادل شمردگی آنجا ایستاده بودند. تمام آن متدیست ها که بر زمین می افتادند و از تقدسی که روح به آنها بخشیده بود، آب بر صورتشان می ریختند. آن پنطیکاستی ها که در خیابان بالا و پایین می رفتند و آنها را «یاوه گو» می خوانند، در آن روز در مقابل خدا در عدالت خواهند ایستاد. درست به همان قطعی که کتاب مقدس در اینجا قرار دارد. اگر به خادم بودن من ایمان دارید... شما مرا نبی او می خوانید. ولی من خود را چنین نمی خوانم. ولی گوش کنید. در نام خداوند به شما می گویم؛ کسانی که در مسیح هستند، خدا آنها را در آمدنش با خود خواهد آورد، در رستاخیز. تنها آنانی که در مسیح هستند.

دوستان! چگونه می توانیم در مسیح باشیم؟

۱۵۶. با یک اعتقادنامه در آن پیوند خورده ایم؟ خیر. از طریق دست دادن با یکدیگر وارد می شویم؟ خیر. همه ی ما با یک آب تعمید یافتیم؟ خیر. همه ی ما با یک فرقه در آن سازمان یافتیم؟ خیر.

بلکه با اول قرن تیان ۱۲:۱۳. «بلکه به یک روح» روح القدس، روح خدا. «جمع ما» همه ی ما، متدیست، باپتیست، لوتری، پرزبیتی و... در نور گام برمی داریم، چنان که او نور است. با یکدیگر مشارکت داریم و خون عیسی مسیح، پسر خدا، ما را از تمام بی عدالتی ها پاک خواهد نمود. "به یک روح همه ی ما در یک بدن تعمید یافته ایم." و در آن فیض سهیم گشته ایم.

۱۵۷. شما نمی‌توانید در داوری بایستید. "هر که کلام مرا بشنود و... ایمان آورد." هیچ‌کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، مگر روح القدس را یافته باشد. "هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده‌ی من ایمان آورد." زمانی که روح القدس به قیام او شهادت داده است. "حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است.."<sup>۳۷</sup> چه؟ هرگز داوری نخواهید شد. هرگز در برابر کرسی سفید داوری نخواهید ایستاد.

شما داوری خود را همین‌جا می‌بینید. وقتی شما می‌گویید: "من خوب نیستم. تعلیم من خوب نیستم. خداوندا! بر من وارد شو. من را در بر بگیر و من را هدایت کن. اهمیتی نمی‌دهم که این دنیای دیوانه چه می‌گوید. خداوندا! به روح خود من را هدایت نما." از داوری خود عبور نموده‌اید. پس شما داوری شده‌اید و در عدالت او در آن روز، مانند او در نامیرایی خواهیم ایستاد.

۱۵۸. فقط یک راه، چگونه؟ "به یک روح همه‌ی ما در آن بدن تعمید یافته‌ایم." و زمانی که شما در آن بدن هستید، الحال آن بدن داوری شده و شما او را بعنوان استمالت گناهان خویش پذیرفته‌اید.

شما می‌گویید: "برادر برانهام! من آن کار را انجام داده‌ام."

پس اگر روح القدس برگشته و به شما مُهر را بعنوان نشانه داده است، آن روح شما را وارد بدن مسیح می‌کند. شما از راه‌های دیگر باز می‌گردید و یک خلقت جدید در مسیح عیسی هستید. شما از موت به حیات منتقل شده‌اید. چیزهای کهنه گذشته است و شما در مسیح تازه هستید. آمین!

۱۵۹. اوه، برادر و خواهر مسیحی من! شما را تشویق می‌کنم که نگذارید این بیداری از شما بگذرد. شما باید روح القدس را بیابید. این چیست؟ روح خدا. برای چیست؟ رهبری شما، هدایت شما، پر کردن و تقدیس نمودن شما و فراخواندن شما به کلیسا.

کلیسا چیست؟ عبارت «کلیسا» به چه معنی است؟ «جدا شدگان، فراخوانده شدگان». اوه! می‌توانم الان در مورد آن موعظه کنم. بیگانگان، جدا از دنیا، بیگانگان و مسافران و ابراز اینکه ما هیچ شهر زمینی نداریم که آرزوی زیستن در آن را داشته باشیم.

۱۶۰. مانند ابراهیم، اسحاق و یعقوب، آنها در چادر ساکن بودند و ابراز می‌داشتند که غریب و بیگانه هستند. ذریت وارث، وارث در آن زمان، پدر، وارث. ما ذریت ایشان هستیم و آنها در انتظار شهری بودند که سازنده و بناکننده‌ی آن خدا بود. آمین! آنها به دنبال آن بودند.

۱۶۱. و امروز نسل آنها هنوز به دنبال آن شهر است. نمی‌خواهم با این دنیا هماهنگ شوم. نمی‌خواهم با این دنیا کاری داشته باشم. می‌خواهم شهری را بیابم که حیات ابدی را یافته است. جایی که که خورشید هرگز غروب نمی‌کند. جایی که دیگر پیری وجود نخواهد داشت. جایی که دیگر هرگز روبان مشکی رنگ بر دامنه‌ی دره‌ها و یا هیچ قبری در کنار کوه‌ها وجود ندارد. به دنبال شهری هستیم که بناکننده و سازنده‌ی آن خداست.

۱۶۲. تنها یک راه برای یافتن آن وجود دارد. تنها یک سنگ بود که بدون هیچ دستی از کوه جدا شد، در جهان غلتید، با دنیا برخورد کرد و در برابر آن مانند کاه و پوشال شد، سنگ مسیح عیسی. یک سنگ غلتان برای دنیا، برای تمسخر، سنگ لغزش کلیسا؛ در عوض سنگی پربها، سنگ زاویه، سنگ اطمینان، سنگ آرامی و سنگ تضمین برای ایماندار.

در آرامی هستم. می دانم که از موت به حیات منتقل شده‌ام. جان من در آرامی است. "بیاید نزد من ای تمامی زحمت کشان و گران‌باران و من شما را آرامی خواهم داد." نشانه‌ای که باید از آن به بدی یاد شود. حتماً خواهد بود. نبی به مریم گفت که این یک نشانه خواهد بود، قطعاً. اما این یک تضمین خواهد بود، یک محبت و رضایت خواهد بود. این چیزی خواهد بود که شما متوجه می‌شوید از موت به حیات منتقل گشته‌اید.

۱۶۳. برادر من! خواهر من! بعنوان برادر شما، بعنوان خادم شما در مسیح، بگذارید تا با تمام قلب خویش شما را تشویق کنم. نگذارید که این از سر شما بگذرد. آن را در قلب خود بپذیرید و یک فرد شاد در جهان خواهید بود.

به شما وعده‌ی این را نمی‌دهم که میلیون‌ها دلار پول خواهید داشت. خیر آقا! برادر لئو!<sup>۳۸</sup> فکر کنم دیگران تعداد بیشماری از این وعده‌ها را داده‌اند. "اگر مسیحی باشی به میلیوها دلار پول دست پیدا می‌کنی و ثروتمند خواهی شد." من هیچ قولی به شما نمی‌دهم. من فقط این را به شما وعده می‌دهم.

این وعده را به شما می‌دهم، تنها چیزی که می‌توانم به شما وعده دهم، نجات است. فیض او برای هر آزمایشی کافی است. افراد پنطیکاستی، حتی آنچه را که داشتند را نمی‌خواستند. حال، از میلیونرها صحبت می‌کنند؟ خواهر آنجی!<sup>۳۹</sup> آنها آنچه را که داشتند، نمی‌خواستند.

۱۶۴. دوست دارم یکی از این روزها بشنوم که شما و خواهر گرتی...<sup>۴۰</sup> او کجاست؟ سرود «زمان بازگشت به وطن» را می‌خوانید. تا آن زمان خیلی از این افراد از آن مرز عبور نموده‌اند.

آنها طالب پول نبودند. چرا که پطرس گفت: "مرا طلا و نقره نیست، لیکن آنچه دارم، به تو می‌دهم."<sup>۴۱</sup>

ای دوستان! و من امشب آن را می‌گویم. شادی، محبت و خوشی که من در مسیح و قیام او دارم، چنان که خود دارم، به شما تقدیم می‌کنم. بعنوان فرزندان خدا به شما پیشکش می‌کنم.

و اگر خدا شما را می‌خواند، بیایید و در کنار صلیب بمانید. وقتی فردا شب به اینجا می‌آیید، می‌خواهم برای شما دعا کنیم و بر شما دست بگذاریم. این فرمان کتاب مقدس است. برای روح القدس بر آنها دست بگذارید. و بعد ما می‌خواهیم... سپس شما به خانه‌ی خود می‌روید. شاید شما در طول تعطیلات آنجا بمانید، تا اولین روز سال و یا تا زمانی که...

۱۶۵. هر آنچه ما فردا شب خواهیم آموخت، این است که کتاب مقدس نشان می‌دهد. آنچه باید بیاید، خواهد آمد. و زمانی که بیاید، دیگر روح ناپاکی نیست که... می‌دانید که از موت به حیات منتقل شده‌اید. شما در مسیح عیسی یک خلقت جدید خواهید داشت. زنگ شادی در آسمان به صدا در خواهد آمد.

۱۶۶. برادر اوتال!<sup>۴۲</sup> به شما می‌گویم، که شما را شعله ور خواهد ساخت. اینجا یک نفر نشسته، یک برادر مسن که قبلاً یک گانگستر بوده. با سلاحی که به کمر می‌بسته و در هر گوشه دنبال کسی بوده که مغز او را متلاشی کند. و چه اتفاقی افتاده؟ یک روز چشمانش را باز کرد، به حیات ایمان آورد و در آن گام گذاشت. او جلسات

<sup>۴۱</sup> اعمال رسولان ۶:۳  
<sup>۴۲</sup> Ottal

من را دنبال کرد. آن آدم بیچاره که غذایی برای خوردن نداشت و شب‌ها گرسنه و تشنه، کنار چادر روی بوته‌ها می‌خوابید. یک روز روح القدس آمد. اوه برادر من! آن شما را تبدیل کرد. نکرد؟ حیات را آورد و موت را دور ساخت. تنفر رفت و محبت جای آن را گرفت. عداوت و ستیزه جویی دور شد و حیات جایگزین آن گشت.

بارها، بارها و بارها به اینجا نگاه کنید. اوه! زنگ شادی در آسمان نواخته می‌شود. به هیچ روشی نمی‌توانم آن را بازگو کنم.

۱۶۷. گوش کنید. اگر شما بعنوان خادم خدا، به شهادت من و چیزی که تلاش کرده‌ام درستی آن را از کتاب مقدس نشان دهم، ایمان دارید و اگر کلام من در این مورد اندکی عجیب به نظر می‌رسد، به تصویری که جهان علم از آن ارائه کرده، بنگرید. به میوه نگاه کنید، آن ستون آتشی که بنی اسرائیل را رهبری نمود. به میوه‌ای که ثمر می‌آورد، نگاه کنید. ببینید که چه می‌کند. ببینید که چه می‌گوید.

این من نیستم که صحبت می‌کنم. این اوست که از طریق شما سخن می‌گوید. می‌بینید؟ این من نیستم که رویا می‌بیند. این اوست که از طریق شما سخن می‌گوید. این من نیستم که بیماران را شفا می‌دهد. او که در شماست بیماران را شفا می‌دهد. این من نیستم که موعظه می‌کنم. من حتی از فکر آن هم فراری هستم. من کلام را نمی‌دانم، ولی او می‌داند. همین و بس. این چیزی است که هست.

و او اینجاست. همان فرشته‌ی خداوند امشب اینجا در ساختمان حضور دارد. [برادر برانهام بر روی منبر می‌زند.] اوه! چقدر او را دوست دارم.

۱۶۸. حال، چند نفر می‌خواهند که روح القدس را دریافت کنند؟ الگوهای زندگی خود را نگاه کنیم. چند نفر هنوز روح القدس را نیافته‌اند و می‌خواهند دست بلند کنند و



بگویند: "برادر برانهام! از صمیم قلب می‌خواهم روح القدس را بیابم." هر جا که هستید، خداوند شما را برکت بدهد.

۱۶۹. چند نفر از شما که روح القدس را یافته‌اید، می‌خواهید تا مانند شاگردان در باب ۴ اعمال رسولان باشید و بگویید: "اوه خداوند! خداوند! دست خود را به شفا بلند کن و در نام فرزند قدوس خود عیسی، آیات و معجزات را آشکار ساز و به من شهادت محبت و صحبت و پری تازه را عطا کن."؟ بله دست من هم بلند است. خدایا! این را به من عطا کن.

سرهای خود را با نهایت خلوص خود خم کنیم و هر یک خواست خود را در قلب خویش حفظ کنیم.

۱۷۰. خداوند! این جلسه را بعد از مشارکت حول محور کلام و روح القدس به اتمام می‌رسانیم. چنان که او ما را مبارک ساخته و ما را به روغن کلام خویش تدهین نموده است. اینجا خادمینی هستند، مردانی که با زندگی خود شهادت می‌دهند که چشیده و دیده‌اند که خدا نیکوست. حال می‌دانیم که روح القدس چیست. وعده‌ی خدا. این حیات ابدی برای تمام کسانی است که ایمان بیاورند.

۱۷۱. و می‌دانیم که روح القدس، روح عیسی مسیح بود که باز فرستاده شد و امروز او در ماست، چنان که خدا در آن ستون آتش بالای سر ما بود. او در یک جسم با ما راه رفت. با جسمی که عمانوییل یعنی «خدا با ما» خوانده شد و اکنون او توسط روح القدس در ماست، «خدا در ما». اوه!

عیسی گفت: "در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم، و شما در من هستید و من در شما هستم. در آن روز خواهید دانست، زیرا اکنون در دنیای تاریکی

هستید، ولی در آن روز خواهید دانست."

۱۷۲. پدر! اگر این نمی توانست کامل و آشکار گردد، آن وقت دیگر چیزی برای ایمان نداشتیم. ولی تمام اعمال خدا با ایمان به کلام تو و با گواه روح القدس که می دانیم در این زمان حاضر است، کنترل می شود. می طلبم تا هر جان گرسنه ای در این مکان از روح القدس پر گردد. برای کسانی که گرسنه ی آن هستند و آن را ندارند. خداوندا! چنان که فرمودی: "خوشابحال شما گرسنگان و تشنگان زیرا سیراب خواهید شد." این یک وعده است. این گرسنگی یک برکت است. شما مبارک شده اید تا بدانید که خدا با شما سخن گفته است. زیرا گفت: "هیچ کس نزد من نمی آید، مگر آنکه پدر او را به من داده باشد."

۱۷۳. خداوندا! آنانی که در اینجا کهنه کار هستند، دست خود را بلند کرده اند، من هم دست خود را بلند کرده ام. اوه خداوندا! به ما قوت بده. به ما قوت بده تا دست فرزند قدوس تو عیسی بلند شود. تا آیات و معجزات انجام شود. تا یک خدمت عظیم باشد، عظیم تر از آنچه که تا بحال بوده است. به ما محبت و شهادت بده تا با قوم سخن بگوییم. این را عطا کن خداوندا! در همه چیز با ما باش. این را در نام عیسی می طلبیم. آمین!

۱۷۴. و فردا شب... خداوندا! باشد تا آن نسیم قدرتمند این ساختمان را فرا بگیرد، تا مانند یک پنطیکاست دیگر باشد. بنیاد گذارده شده است. همه چیز مهیاست. گوساله های پرواز ذبح شده اند، بره ها ذبح شده اند و میزها چیده شده است. میهمانان دعوت شده اند. اوه خداوندا! فردا یک یوبیل از پنطیکاست را به این مکان بفرست و هر جایی را به تعمیم روح القدس پر ساز. عطا کن ای خداوندا! این را در نام عیسی می طلبیم. آمین!

چیزهای زیادی خواهیم آموخت  
چنگی خواهیم داشت از طلا  
شاید با هزاران رشته  
می خوانیم و می سراییم، در آن وجد می کنیم  
برّه اشک ما را خشک خواهد نمود  
ما وطنی نداریم، وطن ما، ما به وطن باز می گردیم  
در اولین هزاره، آمین!  
خون پربهای پسر خود خدا  
ما را طاهر و تقدیس نموده است  
یک قوم شگرف که در نام او عروس نامیده شده اند  
هر چند که اینجا خوار و غافل  
آن برگزیدگان در دروازه ها هستند، و این به همه چیز می ارزد